



مستحکم باد اتحاد کارگران سراسر جهان

صفحه ۳

ارتقاء اشکال مبارزه طبقه کارگر

تعاریف نیز سرکوب شده و بدون نتیجه پایان یافته اند. طی سالهای گذشته، لاقل از نینمینه دوم دهه ۶۰ باین سو، ماههای پایانی هرسال با اعتراضات کارگری قرین بوده است. در بهمن و اسفند هر سال، مطالبات کارگری و بطور عمده نحوه پرداخت و میزان پاداش و عیدي، چگونگی افزایش دستمزدها و طرح طبقه بندی مشاغل موضوع کشاکش میان کارگران و سرمایه داران و دولت آنها بود. اما چند نکته مبارزات و مطالبات کارگری در شرایط فعلی را از سالهای صفحه ۲

ماههای پایانی سال ۱۳۷۸، باگسترش حرکات اعتراضی کارگران کارخانه ها و موسسات مختلف همراه بود. این حرکات به ویژه در دهه ماه، بهمن و اسفند به اوج خود رسید. در هر یک از این ماه ها ده ها اعتضاب، تظاهرات، تحصن و اجتماع اعتراضی برپا شد. در برخی از این حرکات، کارگران توانستند تمام یا بخشی از مطالبات شان را به سرمایه داران تحمیل کنند، برخی دیگر با وعده و وعید مدیران کارخانه ها، مسئولان وزارت کار، یا بخشداری و استانداری موقتاً فروکش کردند،

مبارزه جناحها اشکال خشن تری به خود می گیرد

رویدادهای سیاسی پس از انتخابات مجلس ششم که انعکاسی از تشدید تضادهای و درگیریهای درونی جناحهای هیئت حاکمه اند، به وضوح نشان می دهد که بحران قدرت حاکم در ایران ابعاد نوینی به خود گرفته است.

هنوز چند روزی از اعلام نتایج انتخابات نگذشته بود که در اواسط اسفند ماه، حجاریان یکی از سران جبهه مشارکت اسلامی و مشاور خاتمی در امور امنیتی، توسط یک گروه از اعضاء سپاه پاسداران ترور شد. این ترور که تنها چند روزی پس از پیروزی جبهه مشارکت اسلامی در انتخابات مجلس ارتجاع انجام گرفت، در عین حال که پیام سیاسی ویژه ای برای جناح طرفدار خاتمی داشت، نشانی از این واقعیت است که با بحرانی تر شدن اوضاع سیاسی و مرحله جدید توافقنامه دو جناح های رقیب هیئت حاکمه، اشکالی مبارزه دو جناح اصلی هیئت حاکمه، اشکالی خشن تروحتی قهر آمیز به خود خواهد گرفت. جناح خامنه ای در طول ۳ سالی که از انتخابات ریاست جمهوری و پیروزی خاتمی می گذرد، مدواماً قدرت خود را در برابر جناح دیگر از دست دارد است. این جناح در پی انتخابات اخیر که اکثریت خود را در مجلس نیز از دست داد، دیگر چشم اندازی برای حفظ موقعیت خود به شیوه های معمولی در چارچوب رقابت های سیاسی جناح های ندارد، از این رو لاقل دسته جاتی از این جناح در تلاش اند، تاکتیک های خشن نظامی را در دستور کار قرار دهند و با سرکوب حتی جناح رقیب، اوضاع را تحت کنترل در آورند. یکی از سران گروه انصار حزب الله اخیراً گفت، از آنجائی که طرفداران خاتمی تنها حاضرند در مبارزه مسالمت آمیز شرکت کنند، جناح مقابل باید تاکتیک های را در دستور قرار دهد که آنها نتوانند از پس آنها برآیند. منظور اوالتبه تاکتیک های نظامی و قهر آمیز بود. این نکته نیز روشن است که سران انصار حزب الله، خط سیاسی خود را از جای دیگر واز مراکز اصلی قدرت های درون هیئت حاکمه می گیرند. بنابراین، تحلیل سران انصار حزب الله، تحلیل و خط سیاسی گروه های قدرتمندی از هیئت حاکمه است که حتی مدارای رژیم را با طرفداری خاتمی نمی پذیرند. البته نمیتوان انکار کرد که در جناح خامنه ای دسته جاتی هستند که می فهمند، خاتمی برای نجات رژیم از بحران تلاش میکند و هدفی جز حفظ رژیم در شرایط امروز ندارد. بنابراین هنوز از تاکتیک های ظرفی تر و پیچیده تر سیاسی صفحه ۲

سخنرانی رفیق توکل در مراسم سالروز قیام و سیاهکل

صفحه ۷

در این شماره

پیام های رسیده به سازمان به مناسبت سالروز سیاهکل

گرامیداشت ۸ مارس در تهران

ستون مباحثات: تکرار تناقضات پیشین

اعلام موجودیت «مبازیین خط انقلابی پ. کا. کا»

تحولات درونی حزب کارگر برزیل (PT)

گزیده ای از نامه های رسیده

خلاصه ای از اطلاعیه های سازمان در یک ماه گذشته

اخبار کارگری جهان صفحه ۶ — اخباری از ایران

صفحه ۱۴

صفحه ۱۶

صفحه ۵

صفحه ۱۳

صفحه ۱۵

صفحه ۱۱

صفحه ۶

صفحه ۱۲

مبارزه جناحها اشکال خشن تری به خود می‌گیرد

استفاده میکنند. این دسته جات در همان حال که ابزارهای مادی سرکوب دولتی را در اختیار دارند، در تلاش اند که با استفاده از امکاناتی که در اختیار دارند از جمله بهره برداری از شکافهای درونی جبهه موسوم به دوم خرداد، مانور طرفداران رفسنجانی و نیز به کار گیری اهرم هائی نظیر شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت پیروزی طرفداران خاتمی را در انتخابات اخیر خنثی کنند و جلو سیاستهای آنها را بگیرند. اما چنین به نظر میرسد که تحت اوضاع سیاسی موجود، این تلاش ها به بحران سیاسی عمیق تر بیانجامد. هرچه این بحران عمیق تر میشود و مستقل از جناح های هیئت حاکمه و منازعات آنها، توده مردم بیشتر به عرصه مبارزه سیاسی و سرنگونی رژیم روی می آورند، تاکتیک های نظامی سرکوب بیش از پیش در دستور کار قرار خواهد گرفت. در همین چند روز گذشته علاوه بر مسئله ترور، شاهد تشدید اقدامات سرکوب گراند استگاه امنیتی و قضایی رژیم بوده ایم. در پی افشاری قتل های زنجیرهای و آگاهی عموم مردم از جنایات نفرت اور ماموران امنیتی رژیم، وزارت اطلاعات، دیگر به شیوه سابق روزنامه نگاران و نویسندها را برای بازجوئی جلب نمی کرد، اما اخیرا در چند مورد روزنامه نگاران را به این وزارت خانه فراخوانده و از آنها بازجوئی کرده است. دادگاه مطبوعات نیز اقدامات سرکوبگرانه خود را تشدید کرده است. همه این واقعیات نشان میدهد که با تشدید بحران سیاسی و تشدید تضادهای درونی هیئت حاکمه، اقدامات سرکوبگرانه رژیم علیه مردم تشدید میگردد و در بطن این بحران، منازعات درونی جناح های رژیم نیز اشکال خشن تری به خود خواهد گرفت. روى آوری دسته جات درونی هیئت حاکمه به تورولیه یکدیگر، نقطه آغازی برای اشکال خشن تر و فرمآمیز مبارزه جناح های هیئت حاکمه است.

از تشكل و انسجام لازم برخوردار نیست، اما طبقه کارگر در همین مبارزات روزمره می آموزد، ته مانده توهم نسبت به جریانات ضد کارگری و ارگان های واپسنه به رژیم را از دست می دهد ، به نیرو و توان خویش واقف می شود و یک گام به سوی مبارزه مشکل و سازمانیافته نزدیک میشود. در چنین شرایطی بر کارگران آگاه و پیش رو جنبش کارگری است که از شرایط مساعدی که گسترش روحیه اعتراضی ، و مبارزات کارگران پدید آورده است، برای آگاهی و تشكل کارگران بهره جویند، مبارزه کارگران کارخانه های مختلف، و مبارزه کارگران شاغل و بیکاران را به یکدیگر پیوند زنند و تلاش کنند تا طبقه کارگر به صورت یک طبقه مشکل و متحد رو در روی طبقه سرمایه دار و دولت سرمایه داران قرار گیرد.

ارتفاع اشکال مبارزه طبقه کارگر

خیابان می آیند، به تظاهرات در مقابل نهادها و ارگانهای دولتی دست می زنند، تجمع و راه پیمایی میکنند، جاده را می بندند و مدیران را گروگان میگیرند تا پاسخ در خواست های شان را بگیرند . در ماه های اخیر کارگران نساجی با راش در دیماه و کارگران شرکت آذربایجان در اسفند برای آنکه مسئولان را وادار کنند به خواستهای شان پاسخ دهند، مدیران و هیئت مدیره کارخانه را گروگان گرفتند.

بستن جاده، قطع عبور و مروم را تمیبل ها و جلب توجه رهگران به خواست ها و مطالبات خود شکل دیگری است که اخیرا در مبارزات کارگری به کار گرفته میشود. از جمله کارگران شرکت کنجه در ۱۰ کیلو متری رود بار در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها، مقابل درب کارخانه تجمع نمودند . سپس به مدت ۱/۵ ساعت در وسط جاده نشستند و به این وسیله جاده رشت - قزوین را مسدود کردند . سرانجام اعضا شورای تامین استان در جمع کارگران حاضر شدند و به آنها وعده دادند به مسائل شان رسیدگی کنند، و به این ترتیب کارگران به حرکت اعتراضی خود پایان دادند.

نمونه دیگر بستن جاده قیم کرج توسط کارگران کفش ملی است که در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها جاده را از غرب به شرق بستند و مانع حرکت خود روها شدند. کارگران خزرخز تکابن نیز بارهای جاده تکابن - چالوس را مسدود کرده اند و خواستار رسیدگی به مطالبات شان شده اند. این کارگران پس از اینکه چندین بار وعده و وعد مسئولان مبنی بر رسیدگی به خواست های کارگران، توخالی از آب در آمد، از خروج محموله های صادراتی به ایتالیا جلوگیری کردند . و چندی بعد خواهان بدست گرفتن کنترل کارخانه شدند.

چهارمین نمونه کارگران مبارزه در اعتراف به عدم اجرای تعهدات مدیران کارخانه مبنی بر پرداخت دستمزدهای شان تا کنون ۲۰ بار جاده مخصوص کرج را مسدود کرده اند. آنها دو سال است که دستمزد خود را دریافت نکرده اند و مانع تهیه کارگران است که با توجه به رکود حاکم بر صنایع و موسسات، هر لحظه با آن دست به گریبانند. از این رو مطالبات کارگری در سال گذشته عدتاً پرداخت به موقع دستمزدها، مقابله با تعطیل کارخانه، توقف اخراج کارگران، و مبارزه برای دریافت حق بیمه بیکاری بود.

ب_ نکته دوم گستردگی حرکات کارگری است. طی ماههای اخیر اعتراضات و مبارزات کارگری گسترش چشمگیری یافته، به نحوی که از نیم دو ماهه ۶۰ تا کنون بی سابقه بوده است .

این مسئله هم در مورد تعدد کارخانه ها و موسساتی که در آنها اعتراض و اعتراض صورت گرفته صادق است، و هم بلحاظ تعداد بار در اوخر اسفند ماه کارگران جاده را چندین ساعت بسته و در کنترل خود داشتند. همچنین گسترش تظاهرات کارگران کارخانه های مختلف مقابل اداره کار، سازمان تامین اجتماعی، استانداری، فرمانداری و سایر نهاد های دولتی نیز نشان دیگری از این امر است که کارگران در اثر فشار های سرمایه داران اشکال بالاتری از مبارزه را به کار می گیرند تا به مطالبات خود دست یابند.

گرچه مطالبات و اعتراضات کارگری علیرغم گسترش سطحی و عمیقی به نسبت سالهای قبل، هنوز بر سر مطالبات صنفی است، هنوز غالباً در چهارچوب کارخانه ای محدود است و هنوز

چ - نکته بسیار مهم که بویژه در ماههای اخیر جلب توجه می کند، تعمیق اشکال مبارزه کارگری است. اگر در سالهای گذشته واواخر سال پیش نیز تهیه طومار، اعتراض به مدیران و یا وزارت کارجنبه مهم حرکات کارگری را تشکیل میداد، اکنون اعتراض برای رسیدن به خواست ها به امری عمومی تبدیل شده، فراتر از آن، کارگران برای طرح مطالبات خود به راحتی به



مستحکم باد اتحاد کارگران سراسر جهان

زنان و مردان کارگر!

اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر فرارسیده است. در این روز ارتش بین‌المللی کارگران در سراسر جهان همبستگی و اتحاد خود را در برایر جهان سرمایه داری به نمایش می‌گذارد. در اول ماه مه دنبایی کار یک بار دیگر به سرمایه داران سراسر جهان اعلام می‌دارد که تا برانداختن نظام طبقاتی سرمایه داری و برجیلن هرگونه ستم و استثمار از پای خواهد نشست.

طبقه کارگر ایران نیز که گردانی از ارتش جهانی کاراست، در اول ماه مه با راهپیمانی، تظاهرات و سازماندهی اقدامات اعتراضی دیگر، قدرت متحد خود را علیه بورژوازی به نمایش می‌گذارد و همبستگی خود را با زنان و مردان کارگر سراسر جهان نشان می‌دهد. اعتلاء و کسترش مبارزات طبقه کارگر ایران در یک سال گذشته، که حاکی از بیداری، آگاهی و اتحاد روز افرون کارگران ایران است، نوید بخش مشارکت وسیع تر کارگران در مراسم اول ماه مه است. در سالی که گذشت، کارگران برای تحقق مطالبات خود در صدها مورد دست به اعتصاب، راهپیمانی و تظاهرات، تجمع و تحصن زدند و در برابر اقدامات ضد کارگری سرمایه داران و دولت آنها قهرمانانه ایستادند. این مبارزات در شرایطی انجام گرفت که رژیم ارتجاعی و ضد کارگری جمهوری اسلامی هرگونه اعتصاب، تجمع و راهپیمانی را منع و غیر قانونی می‌داند. این بی‌اعتنتایی طبقه کارگر به مقررات ارتجاعی رژیم و درهم شکستن محبووهای قانونی آن، نشانی از این واقعیت است که طبقه کارگر ایران دیگر نمی‌خواهد بیوغ تحمل ناپنیر نظم موجود را تحمل کند. این رشد و اعتلاء مبارزه کارگران در شرایطی انجام می‌گیرد که رژیم جمهوری اسلامی با بحران و بن بست روپرست و مبارزات توده‌های مردم برای برانداختن این رژیم ارتجاعی هر روز وسعت بیشتری به خود می‌گیرد.

رفقای کارگر!

لحظات سرنوشت ساز نزدیکتر می‌شوند. بحران سیاسی موجود عبیق تر و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی قطعی تر می‌گردد. در چنین اوضاعی مراسم اول ماه مه را به عرصه قدرت نمایی کارگران علیه سرمایه داران و دولت آنها تبدیل کنیم. صف مستقل خود را تشکیل دهیم، شعارهای مستقل خود را مطرح کنیم، و به همه مرتجلین نشان دهیم که طبقه کارگر از هم اکنون در یک صف مستقل قرار گرفته، هیچگونه اعتمادی به جریانات غیر کارگری نخواهد داشت و با حفظ استقلال طبقاتی خود در انقلابی که در آستانه وقوع است، شرکت خواهد کرد.

کارگران مبارز ایوان!

شعارهای اول ماه مه نیز باید متمایز از سالهای گذشته باشند. مردم ایران برای کسب آزادیهای سیاسی به مبارزه‌ای رو در رو با رژیم برخاسته‌اند. طبقه کارگر که پیکربندی مدافعان آزادی است، مطالبه آزادیهای سیاسی را در رأس مطالبات خود قرار خواهد داد. رژیم جمهوری اسلامی کارگران را از حق تشکل و اعتصاب محروم کرده است. کارگران در اول ماه مه مطالبه حق تشکل و اعتصاب را مطرح می‌کنند. دستمزد کارگران بسیار نازل است و کفاف حداقل معیشت آنها را نمی‌دهد، کارگران باید شعار افزایش دستمزد را مطرح کنند به نحوی که تأمین کننده حداقل معیشت یک خانواره ۵ نفره کارگری باشد. سرمایه داران با معافیت کارگاههایی که ۵ کارگر و کمتر دارند از شامل قانون کار، ابتدائی ترین حق و حقوق کارگران را لگد مال کرده است، کارگران در اول ماه مه اعتراض خود را به این اتفاقات ارتجاعی ابراز می‌دارند.

رفقای کارگر!

مراسم اول ماه مه را با شکوه هرچه تمام‌تر برگزار کنیم.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی

پیروز باد طبقه کارگر

مستحکم باد همبستگی بین‌المللی کارگران سراسر جهان

زنده باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقیلت)

اردیبهشت ماه ۱۳۷۹

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

تلاش وحدت طلبانه چپ انقلابی

است و اگر اهداف خود را در چارچوب نظم موجود محدود نمی کند، لاجرم باید قدرت شورائی را بعنوان آلتراستراتیو جمهوری اسلامی پیذیرد. اینجاست آن خط مرزی که چپ انقلابی را از تمام جریانات بورژوازی، لیبرال و رفرمیست، اصلاح طلب و استحاله چی، به اصطلاح چپهایی که گوشش چشمی به جناحهای هیئت حاکمه دارند و تمام کسانی که مدافعان و مبلغ پارلمانتراریسم بورژوازی و مجلس موسسان هستند، متمایز می سازد. به این دلائل است که سازمان ما شرط اتحاد برای تشکیل بلوک چپ انقلابی راسرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت شورائی قرار داده است. در همینجا باشد اضافه کنیم که منظور از حکومت شورائی، این نیست که این واژه در برنامه عمل بلوک چپ قرار بگیرد.

پلاتiform جای شعاردادن نیست. در پلاتiform همه چیز باید مشخص و صریح باشد. منظور از حکومت شورائی این است که در پلاتiform یک بلوک چپ، مختصات یکدوللت شورائی مطرح گردد. یعنی در سرلوحة این پلاتiform باید انحلال و برچیده شدن تمام دستگاه بورکراتیک - نظامی خواسته شود. باید تسلیع عمومی خلق خواسته شود. باید الغای هرگونه سیستم انتصابی و حاکم شدن اصل انتخابی و فرآخوانی مقامات و نمایندگان مردم خواسته شود. باید گفته شود که ما خواهان اعمال حاکمیت مستقیم توده ای از طریق شوراهای هستیم. باید تاکید شود که شوراهای ارگانهای مقننه و اجرائی اند. باید گفته شود که مقامات دولتی حقوقی بالاتر از متوسط دستمزد یک کارگر ماهر دریافت خواهند کرد. و بالاخره باید تصویر شود که عالی ترین ارگان تصمیم گیری کنگره سراسری شوراهای نمایندگان خواهد بود. این است معنای حکومت شورائی و بیان مشخص آن در یک پلاتiform. این شرط اتحاد، در همان حال که چپ انقلابی را از تمام جریانات بورژوازی و رفرمیست متمایز می سازد، نقطه مشترکی است که میتواند چپ انقلابی رامتحد سازد. اختلافات درونی جنبش کمونیستی و چپ انقلابی را می شناسیم و میدانیم که این اختلافات عجالتاً به سادگی حل خواهد شد. کسانی معتقدند که همین امروز می توان کمونیسم را در ایران برقرار کرد. کسانی هستند که شعار الغای فوری مالکیت خصوصی را وظیفه لحظه کنونی می دانند و کسانی هستند که وظیفه فوری لحظه کنونی را اجرای مطالبات انتقالی و دمکراتیک برای گذار به سوسیالیسم می دانند. همه این افراد، گروهها و سازمانها اگر در ادعای خود صادق باشند، برغم این اختلافات درین نقطه مشترکاند که باید در ایران یک دولت شورائی برقرار گردد. اینجاست آن ایستگاه مشترکی

در صفحه ۶

دموکراتها نیز خود را طرفدار سوسیالیسم می دانند. بنا براین، تازه پس از تشکیل چپ کارگری به این فکر افتادند که بیان مشخصی بهاین سوسیالیسم بدهند. اما همین اقدام کافی بود تا به تشدید اختلافات و از هم گسیختگی بیانجامد. این وضعیت از قبل نیز قابل پیش بینی بود. کسی که به دیکتاتوری پرولتاریا معتقد بود، نمی توانست با کسی که آنرا نفی میکند، وحدت داشته باشد. کسی که سوسیالیسم را با الغای مالکیت خصوصی مرتبط می دانست، نمیتوانست با کسانی که سوسیالیسم شان بازاری است، وحدت داشته باشد. از این روست که هرگام در راه تدوین یک پلاتiform به فرپوشی بیشتر چپ کارگری انجامید. بنابر همین دلائل، چپ کارگری هرگز نتوانست به یک تشکیلات مبارزه و عمل تبدیل شود و در مبارزه طبقاتی نقشی ایفا نماید.

حالا درست بر عکس، از همین امروز روشن است که بلوک چپ انقلابی چیست و چگونه اتحادی است؟

بلوک چپ انقلابی یک وحدت حزبی نیست. بلوک چپ انقلابی یک جبهه کارگری نیست. نیروهایی است که برای تحقق یک هدف معین و مشخص، مبارزه مشترکی را تاریخیدن به این هدف پیش میبرند. شکل تشکیلاتی آن نیز از این نوع خاص اتحاد تبعیت میکند. این هدف معین و مشخص، صریح و روشن کدام است؟ سرسنگونی جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت شورائی. اگر صحبت از اتحاد نیروهای چپ و کمونیست است، اگر صحبت از ضرورت انجام تحولات به شیوه ای رادیکال و انقلابی است و اگر این تحولات انقلابی و رادیکال مستلزم ابتکار عمل توده هاست. پس بدیهی است که نخستین شرط اتحاد، مبارزه برای سرسنگونی رژیم جمهوری اسلامی است. اما ناگفته روشن است که این معیار هنوز چپ انقلابی را از جریانات بورژوازی متمایز نمی سازد. میدانیم که هم اکنون برخی از جریانات بورژوازی نیز برای سرسنگونی جمهوری اسلامی تلاش می کنند یا لااقل شعار سرسنگونی را می دهند. آن چیزی که چپ را متمایز می سازد، قدرت دولتی جایگزین است. این قدرت دولتی می باید تضمینی بر اعمال حاکمیت مستقیم تودهای و حاکم شدن کارگران و زحمتکشان برسرنوشت خویش باشد. از این رو نمیتواند از نوع دولت های بورژوازی، از جمله شکل پارلمانی آن باشد. تجربه پیدایش شوراهای در انقلاب گذشته نشان داد که این قدرت دولتی، شورائی است. بنابر این اگر چپ، حقیقتاً انقلابی است و برای استقرار قدرت کارگران و زحمتکشان مبارزه میکند، اگر چپ خواستار تحقق فوری و رادیکال مطالبات توده مردم

زمتکش، دفاع از انقلاب و مداخله فعال در مبارزه طبقاتی برای سرنگونی نظم موجود، برپارکندگی موجود غلبه کنند و مبارزه متعدد و متسلسلی را سازمان دهند. در عین حال این استقبال از ایده بلوک چپ انقلابی، بیانگرایی واقعیت نیز هست که ایجاد بلوک چپ انقلابی حول محور سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت شورائی در ایران، با وظائف فوری جنبش انقلابی توده ای، چشم انداز تحول اوضاع سیاسی موجود و وضعیت کنونی چپ انطباق دارد. علاوه براین، نکته مهم دیگر در این است که برخلاف تلاش های گذشته چپ، بلوک چپ انقلابی از هم اکنون چشم انداز روش و بدون ابهام را تصویر می کند. از هم اکنون مشخص است که بلوک چپ چگونه اتحادی است، هدف آن چیست و برنامه عمل آن کدام است؟

اگر به آخرین تلاش گروهی از چپها به منظور وحدت نیروهای چپ که با شکست رو برو گردید، نظری بیافکنیم، این واقعیت روشن تر می شود.

چرا چپ کارگری که چند سال پیش تشکیل گردید، با شکست رو برو شد؟ به این علت که از همان آغاز معلوم نبود چگونه اتحادی و میان چه کسانی است؟ هدف و برنامه آن نامشخص بود و مهم تر این که انطباقی با شرایط جنبش چپ و اختلافات و پراکندگی های آن نداشت. می گفتند که اتحاد چپ کارگری یک اتحاد حزبی نیست. در واقعیت هم نمیتوانست باشد، چرا که مجموعه ای از عناصر ناهمگون، آنهم بدون ارتباط با جنبش طبقاتی کارگران و بدون برنامه مدون و تاکتیک های اساسی، نمی توانستند وحدت حزبی داشته باشند و حزب طبقاتی کارگران را تشکیل دهند.

می گفتند این اتحاد، یک جبهه کارگری هم نیست. این هم درست بود. جبهه کارگری نمی تواند در غیاب کارگران و مبارزه آنها شکل بگیرد. پس اگر این اتحاد نه حزبی بود و نه جبهه ای، پس چه بود؟

چپ کارگری پاسخی به این سؤال نداشت. ادعای می کردند که این اتحاد، نوع جدیدی از وحدت است که تا کنون در دنیا نموده نداشته است. این الیه پاسخ سؤال نبود، بلکه بیانگر این واقعیت بود که نیروهایی که می خواستند چپ کارگری را تشکیل دهند، نمی دانستند در پی ایجاد چگونه اتحادی هستند. از همین نقطه نیز شکست چپ کارگری آشکار بود. چپ کارگری وقتی که می خواست تشکیل شود، یک برنامه عمل مشخص، صریح و روشن نداشت. یک اعتقاد کلی به سوسیالیسم مبنای وحدت قرار گرفته بود. اماروشن است که ابراز اعتقاد کلی به سوسیالیسم نمی تواند مبنای وحدت قرار گیرد، چرا که حتی سوسیال

- کنفرانس ششم سازمان ما تصویب نمود که یک ستون در نشریه کار به ابراز نظرات مدافعان سوسیالیسم و حکومت شورائی اختصاص یابد.
- مسائل مطرح شده در این ستون نظر شخصی نویسنده محسوب می‌گردد.
- هر مقاله‌ای که برای درج در این ستون ارسال می‌گردد حداقل می‌تواند حدود ۲۰۰ کلمه با دو صفحه شریه کار باشد.

ستون هماهنگ

تکرار تناقضات پیشین

شیوه ای بورژوائی با حقوق های بالا به کار وا دارد . . . در همین حال مدیریت تک نفره نیز معمول گردید و انحرافات بوروکراتیک تقویت شد. این تصمیم که تنها به عرصه اقتصادی محدود نشد و به عرصه سیاسی نیز بسط یافت، گام دیگری در تضعیف دیکتاتوری پرولتاریا و رشد بوروکراتیسم بود. در عرصه اقتصادی، معمول شدن مدیریت تک نفره، یعنی محدود شدن ابتکار عمل توده‌ای کارگری و کنارزده شدن کمیته های کارخانه به عنوان ارگانهای جمعی کارگری در کشور و اداره واقعی امر تولید بود. دولت کارگری شوروی، در جریان جنگ داخلی و تجاوز نظامی قدرت‌های امپریالیست، ناگزیر شد آزادیهای سیاسی را نیز محدود کند . . . با پایان گرفتن جنگ داخلی، از هم گسیختگی اقتصادی، قحطی و گرسنگی میلیونها انسان، دیگر امکان ادامه کمونیسم جنگی وجود نداشت، دولت پرولتاری برای اینکه بتواند بر بحران گسترده غلبه کند و موجودیت خود را حفظ نماید، چاره‌ای جز این ندید که سیاست اقتصادی جدید را در دستورکار خود قراردهد، اما این سیاست، یک عقب نشینی جدی‌تر نسبت به عقب نشینی های گذشته بود . . . با آغاز چرخش بزرگ به نپ پایان داده شد، نپ مان ها و کولاکها سرکوب شدند، تمام وسائل تولید و توزیع به تملک جامعه درآمد، تولید و توزیع به حسب یک نقشه سراسری سازمان داده شد. کارموظ همگانی مجدداً معمول گردید، نقش قانون ارزش و تولید کالائی به حد بسیار نازلی در اقتصاد رسید. معهداً شکل سازماندهی اقتصادی، متأثر از اوضاع سیاسی و انحرافاتی که در این عرصه شکل گرفته بود، شکلی آمرانه و بوروکراتیک بخود گرفت . . . بیش از پیش نقش شوراهای و مداخله آنها در اداره امور کشور محدود گردید. اداره امور اساساً در دست حزب کمونیست، دفتر سیاسی و دبیر کل حزب قرار گرفت . . . آزادی های سیاسی بیش از پیش محدود گردید و خود کامگی چنان رواج یافت که حتاً حزب کمونیست نیز مشمول سرکوبها و تصفیه وسیع شد. (تکییدات از من است) رفقا، علت این همه تناقض گوئی چیست؟ در شرایطی که در همان ده‌الی بیست سال اولیه پس از انقلاب مطابق تحلیل شما، دولتی بر فراز کارگران و اقتشار فروdest قرار داشته، در شرایطی که نقش شوراهای فقط اجرای اوامر رهبران حزبی بوده، چگونه میتوان از سوسیالیسم و دمکراسی پرولتاری دفاع کرد؟ چگونه میتوان ادعا کرد که چون نیروی عمده و فعل شوراهای را بخش پیشو طبقه کارگر و اعضای حزب بلشویک تشکیل می‌دادند، شوراهای بوروکراتیزه شده و تمایل مارکسیستی شوراهای به پارلمان نشینی تقویت گردید؟ مگر در تحلیل مارکسیستی حزب بدون شوراهای وجود اجتماعی و طبقاتی دیگری هم دارد؟ مگر در روایت مارکسیستی میارزه طبقاتی برای محو تمامیت سرمایه داری ظرف سازمانیابی دیگری جز شوراهای بعنوان بستر بلاواسطه، خلاق و گسترده طبقه کارگر هم وجود دارد؟ مگر حزب کمونیست راستین نیروی سازمانده و هدایت کننده جنبش طبقاتی کارگران و به تبع آن شوراهای کارگری در روایت مارکسیستی آن نیست؟ پس چگونه می‌توان با پیاده گرفتن درستگر عقب ماندگی اجتماعی در کشوری که کارگران و سایر اقتشار فرو دست آن بزرگترین انقلاب تاریخ پیشیت را رقم زده و دنیا را به لرده درآورده اند ادعا نمود که چون بخش پیشو طبقه کارگر و اعضای حزب بلشویک که به روایت شما حزبی کمونیستی بود نیروی عمد شوراهارا تشکیل میدادند، بوروکراتیسم رشد کرده و رهبری حزب جای شوراهای را گرفته است؟ یا اگر بجای بخش پیشو طبقه کارگر، بخش‌های دیگر این طبقه و خرد بورژواهایی که از سطح آگاهی و فرهنگ پائین تری برخوردار بودند، مشارکت

از مدت‌ها پیش تصمیم گرفته بودم که در رابطه با برخی ازمواضع سازمان فدائیان (اقلیت)، پرسش‌ها و ابهامات خود را مطرح کنم. انتشار گزارش برگزاری کنفرانس هفتم سازمان در نشریه کار، شماره ۲۲۹ بهانه‌ی شد تا یکی از موارد مذکور، یعنی تحلیل سازمان از روند فروپاشی اتحاد شوروی را تقریر کنم. امیدوارم ضمن درج این نوشته در بخش ستون آزاد، در فرصت مناسب به ابهامات و پرسش‌های مطرح شده نیز پاسخ داده شود. بگونه‌ای که در گزارش فوق آمده، در جریان کنفرانس، مباحثات زیادی پیرامون طرح پیشنهادی قطعنامه به شکست انقلاب پرولتاری در شوروی صورت گرفته است. برخی از رفقاء قطعنامه معتقد بودند که بحث کافی در این مورد صورت نگرفته، برخی دیگر با اشاره به اینکه تاکید بر عقب ماندگی بعنوان علت العلل شکست به منزله صدور حکم قبل از تحلیل مسئله بوده با آن مخالفت کردند، گروهی از رفقاء برموضع گیری صریح تر در رابطه با فقدان تعدد احزاب و تصفیه های استالین تاکید داشتند و گروهی نیز با اشاره به عدم پیشرفت انقلاب فرهنگی، خواستار افزودن آن به معطانامه بوده‌اند. سرانجام اینکه با تشکیل کمیسیونی در این رابطه و گنجانده شدن برخی پیشنهادات، قطعنامه جدیدی بارای اکثریت سبیل حاضران در کنفرانس به تصویب رسیده که متن آن در همان شماره نشریه درج گردیده است. بررسی نقاط اختلاف نظر و پیشنهادات رفقاء حاضر در کنفرانس پیرامون قطعنامه فوق نشان میدهد که کلیه رفقاء مخالف تمامی اصرارشان، با تحلیل تاکتونی سازمان فدائیان (اقلیت) در رابطه با روند فروپاشی اتحاد شوروی، اختلاف نظر اساسی ندارند و همانگونه که پیش بینی آن از قبل هم ممکن بود، قطعنامه نهائی نیز حرف تازه ای برای گفتن نداشت، زیرا با افزودن چند نکته فرعی، صورت مسئله تغییر نمی‌یابد. به عبارت دیگر قطعنامه جدید نیز نتوانسته گربیان خود را از تناقضات و اشکالات مواضع قبلى سازمان در این رابطه، خلاص کند. قطعنامه جدید از همان سطور آغازین خود با دو تناقض اساسی آغشته گردیده، نخست اینکه با لاپوشانی این اصل کمونیستی که "هر حزب کمونیست راستین، برای براندازی دولت بورژوائی و محو هر دولتی بالای سرکارگران و توده های فرو دست فعالیت کرده و هدف نهائی آن استقرار حاکمیت بیان‌اسطه کارگران است". حکومت نخبگان حزبی را که مدعی کمونیسم بودند بعنوان حکومت بخشی از طبقه کارگر قلمداد کرده و برغم اعتراف به سمبولیست بودن شوراهای از اواسط دهه ۲۰، تاریخ فروپاشی دمکراسی پرولتاری را تا اواسط دهه ۸۰ به تعویق می‌اندازد، دیگر اینکه برای خودداری از ورود به بحث های ریشه دارتر، طبقه کارگر شوروی را که بر بزرگترین و رادیکال ترین تاریخ بشریت مهر خود را کوبیده، از همان آغاز بعنوان طبقه‌ای فاقد برنامه مشخص و استقلال طبقاتی فرض کرده و بطور مکرر تاکید می‌کند که طبقه کارگر شوروی براثر عوامل و فشارهای بیرونی مجبور به اتخاذ سیاستهای انحرافی شده است. بعنوان مثال: "معضلي که دولت پرولتاری شوروی با آن روبه رو گردید، عدم مشارکت توده های وسیع کارگر و زحمتکش در شوراهای اداره امور کشور بود. علت این امر نیز عقب ماندگی جامعه، تقوی خرد بورژوازی در کشوری که حدود ۸۰٪ آنرا دهقانان تشکیل می‌دادند و پائین بودن سطح آگاهی و فرهنگ بود. نتیجتاً نیروی اصلی و فعل شوراهارا عمدتاً بخش پیشو طبقه کارگر و اعضای حزب بلشویک تشکیل می‌دادند. این ضعف از یکسو خطر بوروکراتیزه شدن شوراهای و تمایل اعضای آن به پارلمان نشین را تشید میکرد و از سوی دیگر خطر درآمیزی حزب و دولت و قرار گرفتن حزب به جای طبقه را افزایش می‌داد . . . تصمیماتی که رهبری حزب برای اداره امور کشور اتخاذ می‌کرد، توسط شورای کمیسیونی خلق به مرحله اجرا درمی‌آمد . . دولت پرولتاری برای اداره امور کشور ناگزیر شد، متخصصین بورژوا را به

دو شهر شمالی چین متمرکزند، بایجاد راه بندان، اعتراض خود را به نمایش گذارند. در دومین روز این حرکت پلیس با حمله به اعتضابیون، چند تن از معنی‌پیان را مجرح کرد.

اعتراض بیکاری در برزیل

طبق گزارش منابع رسمی در برزیل، نزد بیکاری در این کشور طی یک ماه گذشته ۲ درصد افزایش یافته است. بیکاری در برزیل در دسامبر سال گذشته ۴/۳ درصد، در آن‌رویه سال جاری ۷/۶ درصد، در ماه فوریه به ۸/۲ درصد افزایش یافته است. به نزد بیکاری در شهرهای بزرگ ظرف یک ماه گذشته ۱۴ درصد افزوده شده است.

اعتراض کارگران کارخانه گازدرهلند

اعتراض کارگران ۲ کارخانه گازدر ماستریخت و اسخیدام هلند وارد دومین هفته خود شد. اعتضابیون در اعتراض به عدم تمدید قرارداد دائم از اواسط مارس سال جاری دست از کار کشیده‌اند.

اعتراض کارگران مهاجر در اسپانیا

در اعتراض به حمله راسیست‌ها به کارگران مهاجر در شهر Eleydo واقع در جنوب اسپانیا که به زخمی شدن دهها کارگرانجامید، بیش از ۱۰ هزار کارگر مهاجر در ماه مارس یک روز دست از کار کشیدند. اتحادیه‌های کارگری و نیروها و سازمانهای متفرقی و چپ از اعضا خود خواسته بودند تا همزمان دست از کار بکشند و همبستگی خود را با کارگران مهاجر بدنمایش بگارند.



بزرگترین اعتضاب کارگری در انگلستان طی ۲۰ سال گذشته

بیش از ۸۰ هزار تن از کارگران کارخانه جات‌اتومبیل Rover سازی در اعتراض به فروش کارخانه BMW که به اخراج قریب به ۵۰ هزار کارگر خواهد انجامید، روز اول آوریل دست به راهپیمائی زدند. بنا بر گزارش اتحادیه‌های کارگری در نخستین مرحله، ۹۰۰۰ کارگر در کارخانه "لانگ بریج" (Langbridge) از کار اخراج خواهند شد. این بزرگترین حرکت کارگری در انگلیس ظرف دو دهه قبل است.

اعتراض کارگران ای.گ. متال در شرق آلمان

هزاران تن از فلن کاران در شرق آلمان با خواست افزایش دستمزد به میزان ۵/۲ درصد طی دو سال آینده، روز ۴ آوریل دست از کار کشیدند. مذاکره اتحادیه فلزکاران (ای.گ. متال) بر سر افزایش دستمزد به میزانی است که در غرب آلمان مورد توافق واقع شده است.

اعتراض معنی‌پیان بیکار در چین

در اواخر سال جاری ۲۰ هزار معنی‌پیان که سالهای است، بیکارند، در اعتراض به بیکاری طولانی مدت، دست به تظاهرات زدند. این معنی‌پیان که در

تلاش وحدت طلبانه چپ اقلابی

که همه از آن می‌گذرند. از این‌رو می‌تواند لااقل تا همینجا مشترکاً تلاش و مبارزه کنند و هنگامی که حکومت شورائی کارگران و رحمتکشان در ایران مستقرگردد، تردیدی نیست که واقعیت‌های موجود بسیاری از اختلافات را حل خواهد کرد. در آنجا می‌تواند اتحادهای عالی تری شکل بگیرند و برخی نیز مسیر جدا و مستقل خود را در پیش‌گیرند.

در هر حال سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری حکومت شورائی نقطه مشترک چپ خواهد بود. کسی که این معیار را می‌پذیرد عضو بلوک چپ خواهد بود. اما روشن است که اگر بلوک چپ بخواهد نقش فعال و مداخله گری در جنبش داشته باشد، باید مطالبات وسیع‌ترین بخش توده مردم را در پلاتفرم خود بیاورد. از جمله در پلاتفرم بلوک چپ اقلابی باید یک بند به آزادی‌های سیاسی و حقوقی دمکراتیک مردم، جدائی‌های از دولت، حق تعیین سرنوشت برای ملت‌های تحت ستم و مطالباتی از این دست اختصاص یابد. یک بند دیگری به زنان از جمله حقوق کامل اجتماعی و سیاسی برابر با مردان اختصاص یابد. بند دیگری به مطالبات فوری و مشخص کارگران، از جمله کنترل کارگری بر تولید، حق اعتضاب و تشکل، افزایش دستمزد، کاهش ساعات کار و دیگر مطالبات مشخص کارگری اختصاص یابد. مطالبات دهقانان نیز بند دیگری از این پلاتفرم خواهد بود. مطالبات عمومی اجتماعی، رفاهی، بهداشتی و درمانی و آموزشی، نظیر برقراری سیستم تامین اجتماعی، بهداشت و درمان رایگان، آموزش رایگان اجباری، تامین مسکن نیز می‌تواند بند دیگری از این پلاتفرم باشد و سرانجام یک بند به ملی کردن موسسات صنعتی بزرگ، ملی کردن بانک‌ها، ملی کردن وسائل ارتباطی و حمل و نقل بزرگ، ملی کردن تجارت خارجی، ملی کردن زمین، لغومالیات غیر مستقیم و برقراری مالیات تصاعدی بر ثروت، درآمد وارث و غیره، اختصاص یابد.

بدیهی است که این مواد پلاتفرم موقول به توافق عمومی است، می‌تواند مطالبات دیگری مطرح گردد و بررس این مطالبات در بلوک چپ اختلاف نظر وجود داشته باشد، امادره‌حال پلاتفرم بلوک چپ اقلابی باید حاوی مطالبات مشخص توده مردم باشد و از هم‌اکنون ضروریست، همه کسانی که برای ایجاد بلوک چپ اقلابی تلاش می‌کنند، نظر روشن و مشخصی در مورديان مطالبات داشته باشند و حتی پلاتفرم پیشنهادی خود را تنظیم وارائه دهند تا سریعتر بتوان برای قطعیت بخشیدن به تشكیل بلوک چپ اقلابی اقدام نمود.

خلاصه‌ای از اطلاعیه‌های سازمان در یک ماه گذشته

در تاریخ ۸ اسفند ماه اطلاعیه‌ای با عنوان «اقلام ضد کارگری رژیم بدون جواب نخواهد ماند» منتشر گردید که در آن اقدام ضد کارگری حکومت اسلامی در مورد معافیت کارگاهها و مشاغل دارای ۵ نفر کارگر از شمول کار بعنوان یک تعزیر آشکار به حقوق و دست آوردهای کارگران ایران محکوم گردید. دریخشی از این اطلاعیه چنین آمده است «برطبق این مصوبه، کارگران از هرگونه حق و حقوقی محروم خواهند شد. با برافتادن ضوابط قانونی ناظر بر روابط کاروکارگر، کارفرمایان از این پس آزادند کارگران را همانند بردگان دوران باستان به کار و اداره واستثمار کنند. همزمان که اراده نمایند، می‌توانند کارگران را خارج نمایند و دستمزد کارگر را نیز به میل و اراده خود تعیین کنند. برطبق همین مصوبه، کارگران از حق بیمه درمانی، بیکاری و بازنشستگی نیز محروم خواهند شد.»

در ۱۵ اسفند اطلاعیه‌ای در دفاع از مبارزه و مطالبات کارگران خرخز انتشار یافت. در این اطلاعیه آمده است که کارگران خرخز تنکابن که چندین ماه است حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده‌اند، به عنوان اعتراض جاده چالوس ط تنکابن را بستند، تا صدای اعتراض خود را به گوش همگان برسانند.



سخنرانی رفیق توکل در مواسم سالروز قیام و سیاهکل

چیزی است که در دوران جمهوری اسلامی اتفاق افتاد. این که چرا این اتفاق افتاد، دلائلی داشت که دراینجا نمیتوان به آن پرداخت . جمهوری اسلامی نه تنها تضادی را حل نکرد بلکه با اقدامات ارتجاعی خود این تضادها را تشید کرد. انقلاب مبایستی با حل تضاد زیربنای اقتصادی و رو بنای سیاسی ، نظامی دمکراتیک را که خواست مردم و مبارزات آنها بود متحقق سازد، اما عملی نشد. مردم آزادی را میخواستند. زنان که یک برابری حقوقی محدود داشتند، خواهان برابری بیشتر ، برابری کامل حقوقی بودند، این حداقل مطالبه فوری زنان بود. اما این مطالبات نه تنها متحقق نشدند بلکه با اقدامات سرکوبگرانه و ارتجاعی جمهوری اسلامی سرکوب شدند . بنابراین بدیهی است که با تشید این تضادها، بحران دوباره می بایستی سرباز کند و پدیدار شود . اما کی؟ زمانی که شکست سیاستهای جمهوری اسلامی در همه عرصه ها آشکار گردید. با این شکست، جمهوری اسلامی به مردم نشان داد که نمی تواند در زمینه اقتصادی کاری انجام دهد. در عرصه سیاسی نیز به همین شکل. به جای آزادی سیاسی نیز سرکوب قرارگرفته بود. وقتی که این واقعیت یعنی شکست سیاستهای جمهوری اسلامی بر مردم روشن شد، از همانجا ما شاهد پیدایش مجدد بحران هستیم. نخستین علام این بحران، شورش هائی بود که قبل از به قدرت رسیدن خاتمه در یک رشته از شهرهای ایران به وقوع پیوست. بروز این بحران که با مبارزات مردم توأم بود، تاثیر خود را در درون هیئت حاکمه نیز بر جای گذاشت. وقتی که شکست سیاستهای رژیم بر مردم روشن شد و جناح هائی از هیئت حاکمه نیز دریافتند که با سیاستهای گذشته نمی شود به قول خودشان مملکت را اداره کرد و موجودیت رژیم را حفظ نمود، سیاستهای گذشته زیرعلامت سؤال قرار گرفت و سیاستهای دیگری درستور کار قرار گرفت. اگر جناح خاتمه بر سر کار آمد، دقیقاً در چارچوب این فعل و انفعالات سیاسی و این تحولات سیاسی و این تحولات در جامعه بود. اما در دورانی که وی به قدرت رسیده ما با کدام واقعیت روبرو بوده؟ دقیقاً همین واقعیت که بحران موجود، بحرانی نیست که در چارچوب نظم موجود حل شود. ما در همین دوران، بویژه در یک سال گذشته شاهد صدها مورد اعتصاب، راهپیمایی، تظاهرات، تظاهرات، تھران، بستن جاده ها، گروگانگردی مدیران و غیره و ذالک از سوی کارگران به خاطر مطالبات مشخص بوده ایم. این نشانه‌های رشد و اعتلاء مبارزه مردم است . این واقعیت را می پذیریم که مبارزات کارگران تا این مقطع هنوز عدتاً تدافعی است و در چارچوب مطالبات صنفی‌شان می‌باشد. اما در همین اواخر ما با یک واقعیت دیگر هم روبرو بوده ایم. این واقعیت که کارگران دیگر این بار بر سر دستمزد عقب افتاده یا بر سر مسئله اخراج ، متوقف نشده بلکه خواهان افزایش دستمزد و بهبود شرایط معيشی شان هستند. این را اخیراً ما در خوزستان دیدیم، در لرستان دیدیم، در تهران دیدیم. یک مسئله مهم تر از این هم پیش آمده که کارگران در برخی از کارخانه ها قبل از اخراج می شدند و یا کارخانه در شرشف تعطیل بود، می رفتند و وزارت کار، می رفتند فرمانداری، استانداری، جاهای مختلف تجمع می کردند و خواستار برگشتن به کار بودند ولی اکنون این کار را نمی کنند، بلکه می گویند اگر قرار هست کارخانه بسته شود ما خودمان حاضر هستیم، کارخانه را در اختیار بگیریم و مظنو رشان از این در اختیار گرفتند ، کنترل کارگری است، که ما تازه ترین نمونه آنرا در کارخانه خزرخز دیدیم. این ها چه چیزی را نشان می دهند؟ این واقعیت را نشان می دهند که مبارزات کارگران ، که طبیعتاً منطق خاص خودش را دارد مثل حرکت دانشجویان نیست، مثل حرکتهای شورشی تهییدستان هم نیست. با آن منطق خودش دارد می‌اید به جلو. این حرکت هنوز هم تدافعی هست اما این چشم انداز وجود دارد که اعتلاً پیدا کند و روشن هست چرا باید اعتلاً پیدا کند. چون این رژیم نه تنها نمیتواند مطالبات کارگران را حتاً مطالبات فوری آنها را برآورده کند ، بلکه با برنامه های اقتصادی که درصفحه ۸

با درود و تبریک به مناسبت ۱۹ بهمن سالروز سیاهکل

موضوع بحث منچشم انداز اوضاع سیاسی در ایران است. در چارچوب این بحث به وظائف کمونیستها و جنبش چپ نیز اشاره خواهم کرد که در واقع نتیجه گیری از بحث چشم انداز ، در مورد وظائف جنبش چپ چپ خواهد بود.

اگر بخواهیم در مورد چشم انداز اوضاع سیاسی صحبت کنیم ، نخست باید ببینیم و یزگی مشخص کنند او اوضاع سیاسی کنونی ایران چیست؟ این ویژگی را میتوان چنین خلاصه کرد: وجه مشخصه اوضاع سیاسی ایران در لحظه کنونی وجود یک بحران سیاسی است . تلاطم سیاسی که اکنون مدتی است جامعه را فرا گرفته است ، روی دادهای بی شمار در زندگی سیاسی و اجتماعی توده مردم ، رشد روز افزون مبارزات ، اعتلاء مبارزه آشکار توده ای، روی آوری توده مردم به زندگی سیاسی پس از یک دوره آرامش سیاسی، اعتصابات، تظاهرات، راه پیمایی ها، تحسین ها و دیگر اشکال مبارزه کارگران و دانشجویان در چند سال اخیر بویژه در یک سال گذشته، شورش های تهییدستان شهری در چند سال گذشته، بخصوص در سال جاری و مبارزات زنان و جوانان در عرصه های مختلف، سردرگمی واژم کسیختگی هیئت حاکم، تشید تضادهای درونی هیئت حاکم به منتها درجه، به نحوی که منجر به وضعیت غیر عادی شده است . اینها هستند بارزترین علام و نشانه های بحران سیاسی موجود. این بحران سیاسی در ایران وجود دارد . حتی جناح معترض هستند که یک بحران سیاسی در ایران وجود ندارد. بنابراین اکنون مسئله این نیست که خصلت این بحران چیست؟ آیا این بحران یک بحران سطحی و زود گذر است ؟ آیا بحران هستند بارزترین علام و نشانه های بحران های هیئت حاکم هم، واقعیت وجودی این بحران را می پذیرند. بنابراین مسئله این هست که خصلت این بحران چیست؟ آیا این بحران سطحی و زود گذر است که در چارچوب قوانین و مقررات رژیم موجود حل خواهد شد ؟ آیا بحرانی است که با تصویب قوانین جدید و لغو برخی قوانین گذشته یا حکم و اصلاح نهادها و موسسات دولتی موجود حل خواهد شد ؟ خلاصه کلام این که آیا این بحران بحرانی است که در چارچوب قوانین و مقررات رژیم موجود حل خواهد شد ؟ یعنی بحرانی قانونی است؟ یا بالعكس، این بحران، بحران سطحی و زود گذر نیست. بحرانی است که از اعمال جامعه برخاسته و از تضادهای لایحل جامعه منشأ گرفته و از همین رو نه اصلاح قوانین موجود و نه اصلاح نهادهای موجود، بلکه در هم شکستن و جمع کردن این قوانین، این موسسات و این نظم موجود را می طلبد؟

به عبارت دیگر ، بحث این است که آیا بحران موجود یک بحران قانونی است و در چارچوب حکومت موجود و نظم اقتصادی – اجتماعی موجود حل خواهد شد یا بالعكس بحرانی انقلابیست که متخمن برافکنند نظم سیاسی موجود و نظام اقتصادی – اجتماعی موجود است ؟ اگر به این سؤال پاسخ دهیم ، یعنی خصلت بحران ، طبیعتاً چشم انداز اوضاع سیاسی هم روشن خواهد شد. از همین جا نیز وظائی که در مقابل چهای و کمونیست ها قرار دارد مشخص میشود و از پاسخ به همین سؤال است که منازعه دو جریان در جامعه، منازعه بر سر رفرم و انقلاب مشخص خواهد شد.

به نظر من ، بحران موجود، در واقع ادامه بحرانی است که در گذشته شکل گرفت و به بحث سرنگونی رژیم شاه انجامید. این بحران از یک رشته نیازهای اجتماعی و تضادهای لایحل جامعه برخاسته بود و توده مردم بخاطر مطالبات مشخص دست به این انقلاب زدند. از اینرو اقدامی خود سرانه و بنایه اراده افراد جامعه نبود. مقتضیات عینی جامعه این حرکت انقلابی را ایجاد می کرد و توده مردم در جهت پاسخ گوئی به همین مقتضیات پیا خاستند. اما همانگونه که می دانیم این تضادها حل نشند و بحران با سرکوب فرو نشانده شد . البته در مدتی کوتاه امکان پذیر هست که این تضادها ، مطالبات و مبارزات مردم را سرکوب کرد . این

هر چه گستره‌های عمل نیروهای مترقبی و انقلابی

بتوانند مسائل خودشان را حل بکنند و بعد بخواهند با جنبش توده‌ای مردم ، با این بحران سیاسی موجود تسویه حساب بکنند . من اگر بخواهم به عنوان نمونه بگویم که چرا این هیئت حاکمه نمی تواند این بحران سیاسی را حل بکند، برミ گردم به وضعیتی که این دوچنان با آن روپرتو هستند. قبل از این بحث، بطور ضمنی اشاره کنم، یک جناح از هیئت حاکم فاتحه اش خوانده است، یعنی الان بحثی که می توانیم بکنیم این است که آن جناح گذشته و آن وضعیت گذشته جمهوری اسلامی به نظر من دیگر دورانش تمام شده است یعنی بازگشتی به آن وجود نخواهد داشت . آنچه که وجود دارد، دعوا بین آن جناح به اصطلاح لیبرال _ اصطلاحاً به آنها میگوئیم لیبرال _ وكلاء کسانی است که در چارچوب برنامه های خاتمی، حرکت میکنند و کسانی که خواهان انقلاب هستند. جناح رقیب خاتمی، از نظر سیاستهای عمومی اش نیز این سیاستها بطور کلی با شکست روپرتو شده اند، بازگشت این سیاستها امکان پذیر نیست. اما ما با یک واقعیت روپرتو هستیم. این جناح قدرت های اصلی دستگاه دولتی را در اختیاردارد. این خودش یکی از عواملی هست که به آن امکان می‌دهد، در مقابل جناح دیگر و در مقابل مردم از این اهرمها استفاده بکند، امتیاز بگیرد و حتی سیاست های خودش را پیش ببرد. در مقابل، جناح دیگر، ما می‌دانیم کاری که می خواهد انجام دهد این است که پایه قدرت دولتی را بسیط بدهد. یعنی در واقع می‌خواهد جناح های وسیع تری، گروههای وسیع تری از بورژوازی را در قدرت حاکمه سهیم بکند. این یکی از کارهای ایش است. به همین علت است که ما می بینیم که عده بخش های بورژوازی ایران و بورژوازی بین المللی تماماً پشت این را محکم گرفته اند. در همین جریان انتخابات همگی ما شاهد هستیم و دیدیم بمبادرمان تبلیغاتی بسیار شدیدی به نفع این جناح بود و در عرصه های دیگر هم شاهدش هستیم، از جمله کمک های اقتصادی و غیره و دالک. علاوه بر این در جماعت ما اشاره بالنسبه مرده خرد بورژوازی هم از نظر صفت بندی امروز در کنار جناح خاتمی قرار گرفته اند. به علاوه این جناح می‌خواهد یک سری امتیازات در عرصه های اجتماعی و سیاسی به توده مردم بدهد. این امتیازات البته بسیار ناچیز هستند و به هیچ وجه جوابگوی مطالبات مردم نیستند. بنابراین از نظر توازن قوائی که در درون هیئت حاکمه وجود دارد ، طبیعی است که موقعیت این جناح فراتر هست، بهتر است و روند تحول اوضاع هم این واقعیت را نشان می دهد که بهر حال مسئله ما در اینده با این جناح است. بحثی که اکنون در میان جریانات سیاسی ایران وجود دارد و آیا است که بالاخره از این جناح های موجود کدام را باید افشا کرد و آیا باید از آنها حمایت کرد یا نه؟ واقعیت این است که امروز مردم ایران هیچ توهی و هیچ اعتمادی به جناح خامنه ای و گروه های طرفدار آن ندارند. امروز یکی از موانع اصای برسر راه حرکت مردم ، یا برسر راه انقلاب مردم همین جناح طرفداران خاتمی هستند که از پشتیبانی و حمایت بورژوازی در عرصه داخلی و بین المللی هم برخوردار هستند. اما این جناح هم در واقعیت امرنی تواند سیاست های خودش را پیش ببرد. چرا نمی تواند پیش ببرد، علت های مختلفی دارد. به این علت نمی تواند سیاست خود را پیش ببرد که توده مردم یکسری مطالبات دارد که این مطالبات بسیار فراتر از آن چیزی است که اینها می خواهند. به این علت نمی تواند سیاست خودش را پیش ببرد که توازن درونی هیئت حاکمه این اجازه را به آن نمی دهد. اشاره کردم که هرچند این جناح از نظر نیروی به اصطلاح داخلی ، نیروی اقتصادی و سیاسی داخلی در موقعیت بهتری هست و در سطح بین المللی هم مورد حمایت وسیع قرار دارد ، اما در توازن درونی کنونی هیئت حاکمه نمی تواند زیاد حرکت بکند. این هم یکی از عواملی هست که نمی کناره این جناح سیاست خودش را پیش ببرد. عامل دیگر خود مسئله ساختار چهارم اسلامی است . واقعیت این است که جمهوری اسلامی هرگاه بخواهد، اگر این فرض را هم بپذیریم که می خواهد یک سری تغییرات در درون خودش بدهد، خود این دستگاه سیاسی موجود باید تغییر بکند. یعنی در واقع شما می بینید یک سیستم سال های سال ساخته شده و این سیستم سیاسی خودش مانع است، یعنی روبنای سیاسی باید کلاً تغییر بکند. آیا این بدون تحولاتی سریع، بدون اینکه یک جابجائی های حتی قهرآمیز وجود داشته باشد، امکان پذیر هست؟ این را در واقعیت ما دیدیم

اخيراً خاتمی در دستور کار قرارداده می خواهد پوست از کله نه فقط طبقه کارگر، بلکه کل توده مردم بکند. آنچه که رفسنجانی انجام نداد، اکنون او می خواهد در برنامه ۵ ساله سوم انجام بدهد و طبیعی است که در این شرایط، مبارزه مردم باید اعتلاً پیدا بکند. همین طور ما در دانشگاه ها هم شاهد صدھا و شاید هم موارد بیشتری از اعتراضات دانشجوئی به اشکال مختلف بودیم و بازترین نمونه اش را خود رفقا در تیرماه همه شاهدش بودند و این واقعیت را نشان داد که دانشجویان اساساً آن مطالباتشان در چارچوب نظام موجود قابل تحقق نیست و زمانی که به خیابان کشیده شوند عليه نظم موجود هستند . وقتی که خاتمی به قدرت رسید عمدتاً تاکیدها این بود که این دانشجویان همه شان طرفدار خاتمی هستند، توده مردم طرفدار خاتمی هستند. ما روى این مسئله تاکید کردیم که به هیچ وجه یک چنین چیزی نیست. این یک انتخابی در چارچوب انتخاب خاص بین بد و بدتر بود و همان مردم در عمل نشان دادند و همان دانشجویانی که ادعا میشد طرفدار خاتمی هستند، وقتی که مبارزه شان از محدوده دانشگاه بیرون آمد دیدیم که رژیم را با چه وضعیتی ، با چه بحران ظیمی روپرتو کردند . البته خود جنبش دانشجوئی نمی تواند کاری بکند، نمی تواند رژیم راسنگون بکند، نمی تواند تهدیدی جدی برای رژیم باشد، اما این جنبش ها علائم یک چیز مشخص هستند. اینها علائم بحرانی هستند که این رژیم نمی تواند آنرا حل بکند. به دانشجویان چه میخواهد بددهد حتاً در چارچوب مطالبات آزادی خواهانه شان . همین واقعیت را ما در جنبش تهیهستان شهری دیدیم. همین یک ماه پیش بود که ما با دو حرکت، یکی در خوزستان، یکی در اطراف تهران روپرتو بودیم . وقتی این توده مردم ، این توده تهیهستان میاید به میدان مبارزه، می بینیم که دو چیز را هدف قرار می دهد. یکی آنچه که بوی دولتی ازش میاید و یکی هم بوی سرمایه . و به همین علت هست که بانک ها را مورد حمله قرار می دهند ، به همین علت است که نهادهای دولتی را مورد حمله قرار می دهند. همین امروز، واقعیت امروز را ببینیم، امروز چه اتفاقی افتاد. ظاهراً اعتراض برسر تقلب در انتخابات بود ولی مردم کجاها را مورد حمله قرار دادند. در خوزستان همین امروز در دو شهر مردم حمله کردند به مرکز دولتی. اینها چه چیزی را نشان میدهند. نشاندهنده این واقعیت هستند که این بحران، بحرانی نیست که مثلاً آقای خاتمی بتواند بادرست کردن یکپایه طبقاتی وسیع تری برای رژیم، یا این که معاونین اسبق ساواک همان وزارت اطلاعات شان، افراد سابق اطلاعاتی، سپاه پاسداران، گروههای اطلاعاتی سپاه پاسداران تعدادی نشریه در بیاورند و اسمش راهم بگارند آزادی به اصطلاح مطبوعات، حل شود . خیلی هم این لبیرالهاور فرمیستها روی این مسئله تاکید می کنند. شما در نظر بگیرید این روزنامه ها را چه کسانی در می آورند ، یا معاونین اسبق وزارت اطلاعات هستند یا گروههای اطلاعاتی اعزامی سپاه پاسداران هستند به جاهای مختلف، و یا افراد سابق سپاه پاسداران هستند و طبیعی است که مردم بهتر از ما که اینجا هستیم اینها را خوب می دانند و خوب می شناسند و به اینها اعتماد ندارند. بنابراین واقعیتی که در رابطه با جنبش توده ای روپرتو هستیم این است که مردم در این حد قانع نخواهند شد که جناح خاتمی یک سری امتیازات بسیار ناچیز به آنها بددهد. مثلاً در مردم زنان بگویند که زنان روسی شان را یک مقدار می توانند ببرند بالا. همین چیزی که بعضی از این عناصر واقعاً بریده از جنبش وقتی یک بار به ایران میروند و بر میگردند، وقتی که می خواهند بگویند چی شده، چه اتفاقی افتاده، از جمله فاکتها یکی که می خواهند اثبات کنند که اتفاقاتی در ایران افتاده در این زمینه ، همین ها را تحويل ما می دهند یا تحويل مردم میدهند. بهرحال، رشد این مبارزات نشان می دهد که این بحران یک بحران معمولی نیست ، جنبشی هم که به همراه این بحران راه اتفاقد، از علایمی مشخصی ناشی شده و به خاطر مطالبات معینی دارد پا می گیردو تمام اتفاقات این مدت هم این را نشان داده است. امادر عرصه دیگرهم مایلایم مسئله را بررسی کنیم، یعنی در مردم خود هیئت حاکمه . در تمام این دورانی که خاتمی برسکار آمده ، ما بطور مداوم و روزمره با تشديد تضادهای دورنی هیئت حاکمه بروپرتو بودیم. این تضادها از کجا ناشی می شوند . قبل از هر چیز از همین واقعیت بحران موجود ، از این که این بحران به اینها اجازه نخواهد داد که

بود . شما در جریان حرکت دانشجوئی این را خیلی خوب دیدید . دانشجویان تا زمانی که در درون دانشگاهها بودند خیلی آرام بودند، همین که آمدند بیرون، شعار سرنگونی حکومت را شعار سرنگونی تام و تمام حکومت را مطرح کردند . توده هائی که به آنها پیوستند همین شعار را مطرح کردند . این در واقع مطالبه و شعار خودشان بود . چپ شعارهایش و مطالباتش براساس نیازهای جامعه و خواست های مردم تنظیم شده است . همین اشاره ای که الان کردم که مثلاً کارگران فلاں کارخانه از همین حالا آمدند مسئله کنترل کارگری را مطرح کردند، تنها چپ میتواند، این مطالبه و این شعار را مطرح کند . سر مسئله زنان نه خاتمی و نه هیچ لیبرال و رفرمیست قادر نخواهد بود به مسئله زن، به مطالبات زنان در ایران پاسخ دهد . فقط چپ قادر است به آن جواب دهد، چرا ، چون چپ چیزی را می بیند که بسیار فراتر از این مسائل است و میتواند دقیقاً در این چارچوب حرکت بکند . بنابراین اگر که اعتلاً مبارزه توده ای صورت گرفت این چپ هست که قدرتمند خواهد بود، چپ هست که شعارهایش نیروها را بسیج خواهد کرد . بنابراین چپ بسیار، بسیار زمینه رشد داریو این چپ هم فقط این چیزی که در خارج کشور وجود دارد، نیست . چپ دروغه اول همان نیروی اجتماعی مشخص، یعنی کارگران و زحمتکشانی است که در جامعه وجود دارد و ما بسیاری از شعارها و مطالبات را تقریباً اکثرشان را، تقریباً تمام شان را از همان حرکت در گذشت گرفتیم . بنابراین درواقع چپ زمینه رشد دارد . اگر جنبش اعتلاً پیدا کند، فقط چپ هست که می تواند این وسط قدرتمند بشود . البته این واقعیت رو بگم که این جریان باصطلاح خود بخودی هست . نقش و تاثیر چپ آگاه ، چپ متشکل و در وله اول تاکید روى کمونیستهاست، دراین میان چی هست . آیا چپ آگاه میتواند در این میان نقش داشته باشد، آیا می تواند برجنبش توده ای تاثیر بگذارد، اول صحبت اشاره کردم ، درلحظه کنونی نه . واقعیت اینست که ضعیفه . چپ نیروی تاثیرگذاری درلحظه کنونی نیست . گیریم که مثلاً فرض کینم حالا نیروی غیر متشکل در کارخانه هاهم باشد، در دانشگاهها هم باشد، تک و توک اینجا و آنجا باشد و همین سازمانهای سیاسی، همین عناصر منفرد و غیره و ذالک، تاثیر اینها بسیار محدود است . آیا می شود در این اوضاع کاری کرد ؟ در سال های گذشته ما دیدیم که تلاش هائی دراین زمینه از سوی سازمانهای مختلف صورت گرفت تا حدائق در چارچوب یک تشکیلات واحد، یک حزب واحد چپ ترین گرایشات متشکل شوند تا از این طریق چپ بتواند روی مبارزات مردم تاثیر بگذارد، اما متسافنه نتیجه ای در پی نداشت . اما آیا این بدان معناست که ما باز هم کاری نمیتوانیم بکنیم، آیا نمیتوانیم به شکل دیگری مبارزه مشترکی را بخصوص در شرایط کنونی پیش ببریم . بنظر ما یک چنین چیزی امکان پذیر هست . اگر نمیتوانیم برمبنای سوسیالیسم و برمبنای یک حزب واحد با هم مبارزه مشترکی را داشته باشیم، بر مبنای دیگری می توانیم . ما امروز میدانیم در جامعه ما گروهی طرفدار رفرم هستند . گروهی می خواهند نظام موجود را حفظ کنند، گروهی می خواهند توده مردم را از انقلاب دور بکنند . آیا در مقابل اینها کسانی نمیتوانند که طرفدار انقلاب باشند ؟ طرفدار سرنگونی جمهوری اسلامی باشند ؟ طرفدار تحولات به شیوه ای انقلابی باشند؟ قطعاً تمام این چیزها، چیزی ای انقلابی که تمایز شون بکنم از جریانات لیبرال و رفرمیست، در این نقاط سهیم و مشترک هستند . بنابراین یک چنین چیزی می تذیر بودنش دراین هست که ما این را می پذیریم که خواهان یک دگرگونی به شیوه انقلابی هستیم و این دگرگونی باید توسط توده مردم از پائین صورت بگیرد . این نقطه اشتراک ما خواهد بود . اگر این را پذیرفتیم، اگر من می پذیرم که خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی و خواهان انقلاب هستم طبیعی هست که من باید خواهان انجام یک سری تحولات ، یک سری دگرگونی ها به شیوه ای رادیکال، به شیوه ای ریشه ای باشم . این یک جنبه قضیه است . طبیعی است که براین اساس باید سرنگونی جمهوری اسلامی را بخواهیم . یعنی با این دیدگاه من باید خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی باشیم . اما از طرف دیگر ما خواهان یک رشته تحولات توسط توده مردم هستیم یعنی به اصطلاح شیوه دمکراتیک ، یعنی مردم ابتکار عمل را در دست داشته باشند . توده مردم، کارگران و زحمتکشان

بود . شما در جریان حرکت دانشجوئی این را خیلی خوب دیدید . چنان مانع است که به جناح خاتمی نیز امکان پیشبرد سیاست هایش را نمی دهد . علت دیگر ، ماهیت ارتقابی خود جناح خاتمی است که از سیستم سیاسی موجود پاسداری می کند و به شدت از مردم می ترسد . دراین مورد اشاره کنم که آنها تا به آن حد مراجعت اند که در جریان انتخابات اخیر حتی حاضر نشدن کسانی را از نهضت آزادی و غیره در لیست انتخاباتی خودشان بگذارند و استدلال شان هم این بود که ما بهر حال به ولایت فقهی معتقد هستیم و آنها یک اما و اگرهای دارند . بنابراین عوامل مختلفی دراین وسط عمل می کنند که اینها هم نمیتوانند سیاست خودشان را پیش ببرند . این هم بازاین واقعیت را نشان میدهد که رژیم موجود قادر نیست تضادهای خودش را حل بکند ، بر بحران حکومتی موجود غلبه بکند و از طریق غلبه بر بحران حکومتی موجود به حل بحران سیاسی عمومی جامعه پیردازد . بنابراین وضعیت چه خواهد شد؟ ارزیابی من این است که بطورکلی وضعیت جامعه همراه با اعتلاً مبارزه توده ای خواهد بود و تلاطمات درونی هیئت حاکمه هم شدید تر خواهد شد . این واقعیت را همین مجلسی که فرار است در آینده تشکیل شود از هم اکنون نشان داده است . در این مجلس هیچ جناحی آنچنان اکثریتی نخواهد داشت که بتواند مسائل دولت را در آنجا، در آن محدوده ای که مجلس باید پیش ببرد حل بکند . و یکی از مراکز اصلی بحران حکومت در آینده اینجا خواهد بود . بنابراین اگر ارگان ها و نهادهای طی چند سال گذشته دچار کشمکش ها و بحران های شدید نبودند از این بعده آنها با بحرانهای شدید روبرو خواهند شد، ما شاهد خواهیم بود که این بحرانها و این کشمکش های درونی هیئت حاکمه به مراتب شدید تر خواهد شد . و اگر این را پیشبردیم که براساس این فاکتها م وجود، این بحران یک بحران قانونی نیست، یعنی بحرانی نیست که بتواند در چار چوب نظم موجود حل بشود، بلکه بحرانی است که یک دگرگونی انقلابی را می طلبد، بنابراین چشم انداز را میتوانیم به این شکل تصویر بکنیم: تشدید بحران سیاسی موجود، اعتلاً مبارزه توده مردم به یک موقعیت انقلابی و سرنگونی جمهوری اسلامی .

طبعی است که ما وقتی از فراروئین مبارزه مردم، اعتلاً مبارزه و بحران سیاسی موجود به یک موقعیت انقلابی صحبت می کنیم، محتمل ترین حالت را مد نظرداریم . میدانیم در جامعه افراد زنده وجود دارند، گروههای سیاسی معین وجود دارند، دولت وجود دارد ودها و صدها اتفاق می تواند دراین میان بیفت و آن موقعیت انقلابی حتا پیش نیاید، حتا موقعیت انقلابی هم پیش بباید و منجر به یک انقلاب نشود . بنابر این آنچه که ما رویش تاکید داریم، محتمل ترین حالت است . طبیعی است که اگر شرایط تغییر بکند، اگر تحولات براساس این روند عینی پیش نرود و منجر به یک موقعیت انقلابی نشود، این رژیم جمهوری اسلامی، طبیعتاً این رژیم جمهوری اسلامی گذشته خواهد بود . اما برمبنای فرضیات کمتر متحمل نمی توانیم برنامه ریزی کنیم، نمی توانیم تاکتیک های خودمان را تعیین بکنیم، نمی توانیم وظائف خودمان را تعیین بکنیم . محتمل ترین حالت را م عجالتاً تحول اوضاع به یک موقعیت انقلابی می دانیم . اگر این تحولات به این شکل هست، آیا کمونیستها و نیروهایی به اصطلاح چپ در جامعه چه نقشی می توانند داشته باشند . در وهله اول واقعیتی که همه کسانی که اینجا هستند آنرا می دانند این است که چپ در مرحله کنونی یک نیروی ضعیفی است . ضعف اش هم به خاطر کمیت نیست، ضعف در پراکنده است . دهها گروه و سازمان و صدها برابر پیش از آن نیروهای منفرد را در سطح جنبش داریم . این یک نیروی بسیار قوی هست اما متسافنه در شرایط کنونی این نیرو پراکنده است و همین هست که منجر به ضعف چپ شده است . اما این یک جنبه قضیه است . اگر قرار است که جنبش توده ای اعتلاً پیدا کند ، اگر قرار است که بحران سیاسی موجود به یک بحران وسیع و پردازنه تبدیل شود و به یک موقعیت انقلابی تبدیل شود، طبیعی است که همراه با مبارزه پردازنه کارگران و زحمتکشان باشند . و طبیعی است که همراه زحمتکشی که به عرصه مبارزه سیاسی میابد، شعارهایش همان شعار های چپ باشد . حتا دانشجو و روشنگری که به مبارزه آشکار وعلیه با رژیم روى می آورد ، مطالبات و شعارهایش ، شعارهای چپ خواهد

تکرار تناقضات پیشین

بیشتری در رهبری شوراهما داشتند، اوضاع بهترمی شد؟ آیا عوامل خارجی، تهی شدن شوراهما از مفهوم طبقاتی آن را سببیت داده و تحت فشار این انحرافات حزب بشویک نیز، مجبور به اعمال سیاست ها از بالا شده یا اینکه برداشت حزب بشویک از دیکتاتوری پرولتاریا، اعمال حاکمیت و اراده بخش پیشرو طبقه کارگر در حزب متشکل بودند را موجب شده است؟ اعمال اراده رهبری حزب بر شوراهما عامل جایگزینی مدیریت بورژوازی بجای مدیریت کارگری در عرصه اقتصادی بوده و یا بالعکس؟ چرا پیشرو ترین بخشها طبقه کارگر، همواره تحت فشار عوامل خارجی، سیاستهایی بر علیه منافع عمومی طبقه کارگر اتخاذ کردند؟ اگر به یک عبارت، سوسیالیسم به معنای اعمال حاکمیت مستقیم، نیرومند، خلاق و گسترده طبقه کارگر می باشد، در شرایطی که شما نیز معتقد هستید که به فاصله چند سال پس از انقلاب اکابر کمیته های کارخانه و شوراهما از صحنه اقتصادی بیرون رانده شدند و در عرصه سیاسی نیز اعمال حاکمیت رهبری حزب بجای طبقه کارگر نشست، چگونه از دیکتاتوری پرولتاریا و تداوم آن تا اواسط دهه ۸۰ دفاع می کنید؟ چون اکثر دلایلی که برای شکست انقلاب شوروی ذکر کرده اید و همچنین مشکلات عدیده دیگر برای هر انقلاب سوسیالیستی مفروض وجود خواهد داشت آیا شیوه تحلیل شما، شکست قطعی هر انقلاب سوسیالیستی دیگری را نیز اعلام نمی کند؟ اصرار شما بر اعلام مکرر این نکته که انحرافات دولت شوروی به دلیل فشار عوامل بیرونی بوده و دولت شوروی ناگزیر شده که بر شورای کمیسراهای خلق اعمال اراده کند، ناگزیر شده مدیریت بورژوازی را معمول کند، ناگزیر بوده آزادیهای سیاسی را محدود کند، ناگزیر بوده سیستم تک حزبی را اعمال کند، ناگزیر بوده طرح نپ و سپس چرخش بزرگ را به اجرا بکنار، ناگزیر شده نپ من ها و کولاک ها را سرکوب کند و الخ آیا منطبق با متدولوژی مارکسیستی است؟ آیا اعلام اینکه "دورانی که از به قدرت رسیدن خروشچف آغاز و به گورباقف ختم می شود، دوران سلب قطعی قدرت از طبقه کارگر و انحطاط تمام و تمام دیکتاتوری پرولتاریا و برچیدن دمکراسی پرولتری است. دولت و حزب کمونیست کاملاً قلب ماهیت می دهدن. طبقه کارگر از قدرت کنار زده می شود. بورژوازی مجدد، قدرت را به دست میگیرد." با تعبیر مارکسیستی سوسیالیسم و تاکیدات مکرر قطعنامه مبنی بر اینکه از دهه ۲۰ بجای حاکمیت مستقیم کارگران حاکمیت حزب و رهبری آن نشسته بود در تضاد نیست؟

رفقا اشکال اصلی مواضع شما در این است که ابتدا حکم می دهید که شوروی حتی در دوره استالین سوسیالیستی بوده و انحرافات بتدریج نضح گرفته و با روی کارآمدن خروشچف این انحرافات تشدید شده و سپس سعی میکنید تحولات شوروی را براین مینا تحلیل کنید. طبیعی است که تحلیل نهایی آنکه از تناقضات وابهمات زیادی باشد. اگر معتقد هستید که دیکتاتوری پرولتاریا در تعبیر مارکسیستی آن نه دیکتاتوری حزب یا بخشی از طبقه کارگر بلکه اعمال حاکمیت مستقیم و گسترده آحاد طبقه کارگر است و حداقل از اواسط دهه ۲۰ ماهیت دولت شوروی خلاف این تعبیر بوده، بایستی یکبار دیگر و بدون جانبداری اولیه، تحولات شوروی را بررسی کنید، در غیر اینصورت، در فردای انقلاب سوسیالیستی، شما نیز راه حزب بشویک را که به شکست انقلاب منجر خواهد شد انتخاب خواهید کرد.

۹۹/۱۲/۲۰ - پویان

ابتکار عمل را درست داشته باشند. در این حالت یک مسئله دیگر پیش میاید. چگونه امکان پذیراست که توده مردم این کاررا انجام بدنه. آیا جزاین امکان پذیر هست که ارگانهای اعمال حاکمیت مستقیم مردم برقرار بشود؟ و این ایجاد شود، ارگانهای اعمال حاکمیت گذشته انقلاب دیدیم که مردم ارگانهای خاص خودشان را بوجود آوردند، در شکل کمیته های محلات، در شکل شوراهما. ما باید به یک واقعیت در جامعه مان توجه کنیم، تجربه گذشته ما این را نشان داد که این شوراهما هستند. بنابراین می شود بر مبنای همین محور، یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد یک حکومت شورائی کارگران و زحمتکشان و توده مردم، متعدد شد. چرا نمی شود؟ یعنی در واقع اگر که یک نیروئی انقلابی هست اگر نیروئی خواهان سرنگونی هست، اگر نیروئی خواهان ابتکار عمل توده ای هست، حالاً گیریم که بر سر این مسئله اختلاف داشته باشیم که مثلاً تعریف دقیق کارگران و زحمتکشان چیست؟ این اختلاف را می شود گذاشت کنار و بر مبنای یک چنین پلأتفرمی متعدد شد. یعنی پلأتفرمی که محورش سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت شورائی باشد. دیگر بسیاری از بحثها، بسیاری از اختلافات کنار خواهد رفت. این می تواند برای ما یک مبدأ و محور باشد. طبیعی است که مسائل مربوط به آزادی های سیاسی، حقوق دمکراتیک مردم، مسئله حقوق و آزادی های زنان، مسئله حقوق ملت ها، مسئله حقوق اقلیت های مذهبی، مسئله مطالبات مشخص کارگران، مطالبات مشخص دهقانان و غیره و ذالک هم در این پلأتفرم مباید جای بگیرد و مورد اختلاف چپ بطورکلی نیست. اما آن چیزی که می تواند مورد توافق واقع شود، همان مجموعه مسئله سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد حکومت شورائی است. با ارزیابی که ما داریم این چیزی هست که می تواند در شرایط کنونی یک نیروی وسیع را حول خودش تشکل بکند. تشکیلات ما در این زمینه تلاش هایی داشته باشند، با یک سری میانه ای که می تواند در این میانه ای بتواند شکل سری زاسمان ها و گروه ها تماس گرفته و با یک سری دیگر هم قرار است تماس بگیرد. تا اینجا نیز که پیش رفته، با استقبال عمومی روپرداز شده است که این مسئله، یعنی ایجاد یک بلوک چپ انقلابی بر مبنای همین محور سرنگونی جمهوری اسلامی واستقرار حکومت شورائی بتواند شکل بگیرد. ما امیدوار هستیم که در چند ماه آینده اجلاس وسیعی از طرفداران ایجاد چنین بلوکی تشکیل شود، که اگر این بلوک شکل بگیرد و امیدوار هستیم که شکل بگیرد، می تواند تاثیر مثبتی روی مبارزات مردم داشته باشد، نقش مداخله گراندای در جنبش داشته باشد و چپ از این وضعیت نجات پیدا کند که فراخوانش را به مبارزه و تظاهرات، جریانات بورژوازی به نداد و در فلان تظاهرات سخن گوییش فلان نماینده جریان بورژوازی باشد. این برای چپ ما واقعاً تأسیف آور است که امروز وقتی می خواهد تظاهرات برگزار کند، وقتی می خواهد راه پیمایی کند، وقتی می خواهد حرکت بکند، منتظر این است که فلان سازمان دمکراتیک فراخوان بدهد و این چپ برود عليه رژیم اعتراض کند. این بخاره همان بی تشکیلاتی هست، بخاره همین پراکنده است که درون چپ هست و ما امیدوار هستیم که این مسئله بتواند حل شود و این محوری که به آن اشاره کردیم بتواند توافق جریانهای چپ، کمونیست های خلیل انقلابی، کمونیست های کمتر انقلابی، چپ هایی که حتاً ممکن است سر مسئله کمونیست بودنشان شک و تردید وجود داشته باشد قرار بگیرد. اگر با این حرکت مشرک، با این مبارزه مشترک پیش برویم، در آینده میتوانیم حتا در جهت تشکیلات های واحد تر حرکت بکنیم. در هر حال این تلاشی هست که صورت می گیرد، در حال انجام گرفتن هست، نتیجه اش هم هر چه باشد و ما امیدوار هستیم که مثبت باشد، تشکیلات ما به مسیر خودش به حرکت خودش در همین زمینه ادامه خواهد داد. سازمان ما مسئله سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار حکومت شورائی را به عنوان یک وظیفه فوری در دستور کار خودش قرار داده است و تا آنجا که توان داشته باشد، نیرو داشته باشد این وظیفه را پیش خواهد برد. چرا که ما معتقد هستیم هیچ راهی برای پیروزی مردم و تحقق مطالبات آنها جز از طریق سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت شورائی وجود ندارد.

کمیته های کارخانه را در هر کارخانه و کارگاه ایجاد کنیم



این اقدام شما را قویاً محاکم میکنیم.
 ۳ - اگر شما مایل بودید اخبار این کنفرانس را
 بطور درست در نشریه اطلس منعکس کنید
 ضروری بود قبل از انعکاس اخبار آن، با
 برگزارکنندگان این کنفرانس تماس میگرفتید
 تا شما را بطور اصولی در جریان مسائل
 قرار میدادند. متأسفانه شما بدون این تلاش
 عمل کرده اید و بدین ترتیب مرتكب یک رشته
 رفتار غیراصولی شده اید که نه فقط اطلاعات
 خلاف واقع را به اطلاع خوانندگان نشریه می
 رساند بلکه نافی امنیت و حرمت شخصی
 افراد ریاضی هم شده است. بالحتراهم
 هیئت برگزارکنندگان کنفرانس دوم فعالین
 کمونیست جنبش کارگری
 ۹۹ دسامبر ۲۳

آلمان _ رفیق عزیز ح. ز. ز : نامه و انتقاد
 شمارا در مرور استفاده از واژه شهید و شهداء،
 دریافت کردیم . این واژه ها همانطور که خود
 شما در نامه اشاره کرده اید، واژه های مصطلحی
 است که بخشنود را به فرهنگ و ادبیات چپها
 و کمونیست ها نیز تحمیل کرده اند. گرچه در
 نشریات سازمان عمدتاً واژه جان باخته کان
 بکار می رود، معهداً باید اعتراف کنیم که از این
 واژه ها ولوبطر ناخواسته نیز استفاده شده
 است که این البته در خور انتقاد است. با سپاس
 از توجه و تکریج شما. پیروز باشید.

آلمان _ رفیق عزیز، د: نامه ای که در مورد
 سعید عقیقی داشتجوی پیشگام برای ما
 فرستاده بودید، دریافت کردیم . چنانچه به
 عکس رفیق نیز دسترسی دارید، آن را نیز
 برایمان بفرستید تا در فرستی مناسب به
 درج بیوگرافی این رفیق و جریان مفهود شدن
 و سرانجام جان باختن وی، اقدام کنیم . با
 تشکر قبلی و با گرامیداشت یاد تمامی جان
 باخته کان راه سوسیالیسم.

هلند _ دوست عزیز ن_ فرم درخواست
 آبونمان نشریه و هزینه یکسال آن را دریافت
 کردیم . نشریه کار به آدرسی که داده اید
 فرستاده می شود. موفق باشید.

* رفای عزیز کانون زندانیان سیاسی ایران
 (درتبعدی)، همراه با ارسال خبرنامه خود،
 کارت های تبریکی نیز برای ما فرستاده اند
 که ضمن اظهار تشکر، ما نیز متقابلاً بهار و
 نوروز را به این رفقاء و سایر رفقاء و دوستانی
 که سازمان را مورد لطف خود قرار داده اند،
 تبریک میگوئیم.

و بدون امضای نویسنده در نشریه درج شده
 است. از آنجا که این مجموعه حاوی اطلاعات
 غلط، و در عین حال متاثر بر رفتار غیراصولی است،
 لازم می دانیم این نکات را جهت اطلاع شما و
 خوانندگان نشریه اطلس به اطلاع تان برسانیم
 و موقع داریم که متن این نامه را در شماره
 بعدی شریه منعکس کنید.

۱- مطالب نشریه با اظهار این خبر شروع می
 شود که : "اواخر ماه گذشته، جمعی از فعالین
 چپ و کارگری طی یک کنفرانس گروه "بنیاد
 کار" را تأسیس کردند . متن بیانیه ای که از
 سوی این بنیاد انتشار یافته، به شرح زیراست".
 تصور ما بر این است که شما حتیماً اطلاعیه
 مطبوعاتی کنفرانس فعالین کمونیست جنبش
 کارگری را که وسیعاً پخش و در برخی
 مطبوعات نیز منعکس شده است؛ مطالعه
 کرده اید. در این اطلاعیه صرفاً آمده است:
 "با اتكلی به مباحثات دو روز اول کنفرانس،
 تعدادی از فعالین جنبش کارگری طرحی برای
 ایجاد نهادی به نام "بنیاد کار" عرضه کردند
 که مورد استقبال بخشی از حضار قرار گرفت.
 به عبارت دیگر اولاً، نهادی بنام "بنیاد کار"
 در این کنفرانس تأسیس نشد، ثانیاً، تا تاریخ
 ۹ دسامبر که شماره مذکور نشریه اطلس
 منتشر شد هنوز چنین بنیادی ابراز وجود
 نکرده بود، ثالثاً از طرف چنین نهادی هنوز
 تا امروز اطلاعیه ای منتشر نشده است که از
 طرف نشریه اطلس منعکس شود؛ رابع هیئت برگزار
 کننده کنفرانس فعالین کمونیست جنبش
 کارگری اطلاعیه تأسیس "بنیاد کار" را
 منتشر نکرده است که شما آنرا به اسم این
 هیئت نقل کرده اید، خامساً، فقط پاراگراف
 آخر اطلاعیه ای که شما در نشریه درج کرده
 اید، در حقیقت پاراگراف آخر اطلاعیه پایانی
 کنفرانس است. با این توضیحات نشریه اطلس
 بطور روشن دست به جمله اسناد زده است
 و بدین طریق اخبار غلط و نادرستی را به
 اطلاع خوانندگان خود رسانده است که باید
 تصویح شود.

۲ - در پایان متن تجلیل نامه ای که کنفرانس
 در تقدیر از رفیق آبرت سهرابیان تهیه کرده
 و شما در نشریه اطلس منعکس کرده اید
 تعدادی اسامی آورده شده است. در این باره
 ضروری است توجه شما را به این نکات جلب
 کنیم، اولاً، چندین نفر از کسانی که نام آنها
 در اینجا آورده شده است در کنفرانس حضور
 نداشتند، ثانیاً انعکاس علی اسم هر فرد تنها
 با اطلاع قبلی و جلب رضایت خود او باید
 صورت گیرد، چنین عملی از طرف نشریه
 اطلس صورت نگرفته است و امضای کنندگان
 این سند نیز اجازه انتشار این سند به همراه
 اسامی خود را به نشریه اطلس نداده اند. بدین
 ترتیب شما نه فقط به حرمت شخصی افراد
 تجاوز کرده اید بلکه برای تعدادی امنیت شخصی
 شان را نیز به خطر انداخته اید. به این دلایل ما

گزیده ای از نامه های رسیده

توصیح کوتاهی برستون گزیده ای از نامه های رسیده
 رفقا و دوستانی که برای ما نامه می نویسند،
 چنانچه مایل نیستند نام آنها در نشریه کار آورده
 شود، توجه داشته باشند که خودشان این موضوع
 را در نامه قید کنند . عدم تذکر این مسئله، بمعنی
 عدم مخالفت نویسنده نامه بادرج نام خود در نشریه
 کار میباشد و در این صورت نشریه کار نسبت به
 درج نام نویسنده تضمیم میگیرد.

تحیریه کار درگزگریش نامه ها برای درج در نشریه
 کار و کوتاه کردن آنها مجاز است.

نشریه کار این اختیار را دارد که قسمت یا قسمت
 هایی از نامه های رسیده همچنین یادداشت های را که
 از تشکلهای دمکراتیک دریافت میکند، انتخاب کرده و
 آنرا بچاپ برساند. درج این مطالب، لزوماً بمعنی
 تائید موضع نویسنده کنندگان نامه و یا تشکلهای نمیباشد.
 از همه رفقا و دوستانی که برای ما نامه مینویسند
 درخواست میکنیم نامه خودرا اگر تاپ نمیکنند، با
 خط خوانا بنویسند. تاریخ ارسال و نام خویش را در
 نامه قید کنند و آدرس فرستنده را نیز با حروف
 درشت و در هر حلال بطور خوانا بنویسند. با تشکر قلبی

درابتدا، نامه "هیئت برگزارکننده کنفرانس دوم
 فعالین کمونیست جنبش کارگری" و "سند"
 ضمیمه آن که بعلت کمبود جا نتوانسته بودیم
 در شماره کشته چاپ کیم، از نظرتان میگرد.

دوست عزیز
 سندی که دریافت می کنید ، رونوشت نامه ای
 است که از جانب ما در اعتراض به جعل خبر
 برگزاری اولین کنفرانس فعالین کمونیست جنبش
 کارگری توسط نشریه اطلس به سردبیر این
 نشریه ارسال شده بود . با توجه به اینکه از
 زمان ارسال این نامه تا کنون دو شماره دیگر
 این نشریه منتشر شده است و سردبیر آن تا
 کنون به هیچوجه خود رامقید به تصحیح اخبار
 و مطالب نادرستی که در نشریه منعکس شده
 بود ندیده است، ما لازم دانستیم تا رونوشت
 این نامه را در اختیار نشریه شما قرار دهیم و
 امیدوار باشیم که شما برای اطلاع عموم دست
 به انتشار آن خواهید زد. با احترام
 هیئت برگزار کننده کنفرانس دوم فعالین
 کمونیست جنبش کارگری_۲۰۰۰_۲ فوریه

متن نامه باین شرح است:
آقای رضا سپید رویی، سردبیر نشریه اطلس

نشریه اطلس شماره ۷۱ مورخ ۱۸ آذر (۹
 دسامبر ۱۹۹۹) حاوی اخبار و اسنادی در باره
 کنفرانس اخیر فعالین کمونیست جنبش کارگری
 است که طی روزهای ۱۹ تا ۲۱ نوامبر در لندن
 برگزار شد. این مجموعه بدون ذکر منع خبر

خبری از ایران

در جریان تجمع اعتراضی کارگران در برابر مجلس، یکی از کارگران درحالیکه پیراهن خود را به دور سرمهیچرخاند، فریاد می زد "محبوب خدا حافظ!" همچنین شماری از کارگران اخراجی بافت آزادی، هم علیه مصوبه مجلس و هم علیه محبوب و خانه کارگر شعار دادند که پلیس آنها متفرق کرد. درین تجمع اعتراضی، کارگران علاوه بر حمل پلاکاردهایی که برخی مطالبات خویش را برآن نوشته بودند، با سر دادن شعار، به ابراز مخالفت با مصوبه مجلس پرداختند. کارگران از جمله چنین شعرا میدانند. "مجلس به ما چه ها کرد، ظلم بی انتها کرد، مجلس به ما عیید داد، یک نان آجری داد، مرگ بر مخالف کارگر، قانون بردباری محکوم باید گردد، باید هادردی بهشت، اعتصاب، اعتصاب" قابل ذکر است که در مخالفت با این مصوبه، علاوه بر اعتراضات کارگری در تهران، در سایر مناطق و استانها نیز، کارگران به ابراز مخالفت با آن پرداختند. برای نمونه کارگران پنبه نسوز نهندان در جنوب خراسان و نیز جمع کثیری از کارگران واحدهای تولیدی، خدماتی و صنعتی کرمانشاه نیز با بر پائی اجتماع اعتراضی، خواستار لغو این مصوبه شدند.

تحصن کارگران پتروشیمی

۳۰ تن از کارگران شاغل در پتروشیمی ارومیه که از سه ماه پیش توسط مدیریت این واحد اخراج شده اند و همچنان بلا تکلیف می باشند، روز شنبه ۱۴ اسفند، در محل استانداری آذربایجان غربی دست به تحصن زند و خواستار روشن شدن وضعیت خود شدند. قابل ذکر است که هیئت تشخیص اداره کل آذربایجان، حکم اخراج این کارگران را که ۳۰ سال سابقه کاردارند، صادر نموده است ولی هیئت حل اختلاف هنوز نظر قطعی خود را نداده است. معهدا سازمان تامین اجتماعی استان نیز از پرداخت مقررات بیمه بیکاری به کارگران اخراجی، خود داری می کند.

صفحه ۱۳



اجتماع اعتراضی

کارگران

در برابر مجلس

شورای اسلامی

کمک های مالی دریافت شده

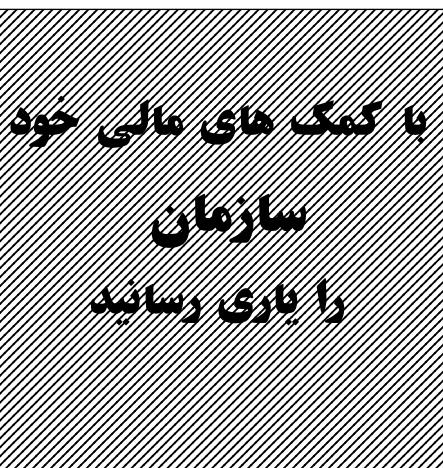
ایتالیا			
بدون ک	۸۰۰	فرانک فرانسه	
آمریکا	۱۰۰	دلار	بدون ک
بدون ک	۲۰۰	دلار	بدون ک
ایران			
برای انقلابی دیگر	۲۳	دلار آمریکا	
استرالیا			
هواداران سازمان_ ماه سامبر	۵۰	دلار استرالیا	
هواداران سازمان_ کک به نشریه	۲۰	دلار استرالیا	
هواداران سازمان_ کک به نشریه	۲۰	دلار استرالیا	
هواداران سازمان_ کک به نشریه	۱۰	دلار استرالیا	
دانمارک			
۹۹/۸/۲۱	۵۰	کرون	
۹۹/۹/۱۳	۵۰	کرون	
۹۹/۱۰/۲۹	۵۰	کرون	
آلمان			
هامبورگ_ بدون ک	۲۰	مارك	
هامبورگ_ رمان	۲۰	مارك	
هامبورگ_ بدون ک	۲۰	مارك	
هامبورگ_ هومر	۲۰	مارك	
هامبورگ_ مارس	۳۰	مارك	
هامبورگ_ شهریار	۳۰	مارك	
هامبورگ_ مازیار	۱۰	مارك	
سوئد			
علیه رفرمیسم	۱۰۰	کرون	
به یاد فدائی شهید	۱۰۰	کرون	
بلوک چپ انقلابی	۱۴۰	کرون	
رفیق توکل	۶۰	کرون	
حکومت شورائی	۱۰۰۰	کرون	
برگ سبزی است تحفه درویش	۳۰۰	کرون	
ع_ بدون ک	۱۰۰	کرون	
به خاطر زندانیان سیاسی	۲۰۰	کرون	
ش_ ب به یاد فدائی	۱۰۰	کرون	
شهید سیامک اسدیان			



اعلام موجودیت « مبارزین خط انقلابی پ . کا . کا »

بخشی از نیروها و اعضاء حزب کارگران کردستان ترکیه (پ. کا . کا) در مخالفت با خط مشی جدید این حزب، فعالیت مستقل خود را تحت عنوان "مبارزین خط انقلابی پ. کا . کا" آغاز نمودند. منشیان عمدتاً در جنوب شرقی ترکیه مستقرند و بخشی دیگر از زندانیان سیاسی در بندها نشیریه آلمانی "آینی چوان" ضمن اعلام این خبر، از جمله به برخی موارد مورد اختلاف اشاره کرده است: "منشیان از جمله با سیاست تسلیم طلبانه شورای رهبری حزب و عبدالله اوجالان مخالفند. آنها همچنین ساختار غیر دمکراتیک این حزب را مانع برسره رهبرگونه انتقاد درون حزبی می‌دانند. منشیان آتش بس اعلام شده از سوی هفتمنی کنگره پ. کا . کا آتش بسی یکطرفه می‌دانند که جز بربیت و برگی، نتیجه دیگری برای خلق کرد که سالها برای کسب ابتدائی ترین حقوق خود در مبارزه است، به بارخواهد آورد."

از سوی دیگر در کفرانسی که اخیراً در برلین برگزار شد، یکی از سخنگویان منشیان، ضمن برخورد به مصوبات کنگره پ. کا . کا، عدم دعوت از مخالفین جهت شرکت در کنگره را محکوم نمود. وی همچنین افزود که شورای، رهبری حزب، بدون هیچگونه بحث درونی، خط عبدالله اوجالان را مورد تصویب قرارداده است. کنگره هفتم حزب کارگران کردستان ترکیه از تاریخ ۲۲ ژانویه در شمال عراق برگزار شد که در آن ۲۸۶ نماینده (۱۲۰ نماینده زن و ۲۶۶ مرد) شرکت داشتند. در قطعنامه پایانی این کنگره که در ارگان پ. کا . کا موسوم به "اوزگور پلیتیکا" درج شده است، پ. کا . کا آتش بس اعلام نموده و افزوده است که "از این پس مبارزه خلق کرد در چارچوب صلح و دمکراسی ادامه خواهد یافت و شاخه نظامی پ. کا . کا به "نیروی دفاعی خلق" تجدید سازماندهی می‌شود".



گران نیز بیش از بیست ماه است که هیچگونه حقوقی پرداخت نشده است.

اجتماع کارگران شرکت چوب و صنعت

دهها تن از کارگران شرکت چوب و صنعت واقع در شهر صنعتی کاوه، روز ۶ اسفند در مقابل فرمانداری ساوه اجتماع نمودند و دست به تظاهرات زدند. خواست کارگران پرداخت حقوق معوقه، پاداش و دیگر مزایای کارگری بود. کارگران شرکت چوب و صنعت میگویند، حقوق آنها از آبان ماه پرداخت نشده، علاوه براین کارفرما عدی و پاداش سال گذشته و هزینه ایاب و ذهاب راطی یک سال نپرداخته است. کارگران خواهان تحقق هرچه فوری تر مطالبات خود بودند.

اجتماع کارگران نساجی بروجرد

حدود ۲۰۰۰ تن از کارگران کارخانه نساجی بروجرد، در اوائل اسفند ماه دست از کار کشیدند و در مقابل کارخانه اجتماع نمودند. آنها خواهان افزایش دستمزد، رفع تعیین در مورد طبقه بندی مشاغل بودند. پس از وعده فرماندار که در محل حضور یافته بود، کارگران به سرکار بازگشتند.

اعتراض و تحصن کارگران شرکت آذرگاه

کارگران شرکت آذرگاه که حدود ۶ ماه است، حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند، دست به تحصن و اعتراض در محل کارخانه زدند. کارگران این کارخانه که تعدادشان به ۸۵ نفر می‌رسد، تاکنون چندین بار اعتراض خود را نسبت به عدم پرداخت دستمزد ابراز داشته بودند. آنان از ماه گذشته تا اوخر اسفند، درسه مورد مدیران و کارفرمایان رایه گروگان گرفته و خواستار پرداخت دستمزد شده بودند. آنها هر بار پس از وعده مقامات دولتی، مدیران را رها کرده بودند، اما باز هم خواستهای آنها تحقق نیافتد بود. اعتراض کارگران همچنان داده دارد.

جمع اعتراضی کارکنان راه آهن

حدود ۴۰۰ تن از اعضاء تعاوونی مسکن کارکنان راه آهن، در اعتراض به رای صادره از سوی دادگستری استان تهران درباره واگذاری مالکیت اراضی این تعاوونی به فردی به نام فخرالدین

صفحه ۱۵

اعتراض کارگران داروسازی

کارگران داروسازی جابرین حیان، دریک نامه اعتراضی خطاب به شورای عالی کار، ضمن اشاره به تورم روز افزون و کاهش مدام قدرت خرید کارگران، خواستار رسیدگی به وضعیت معیشتی و افزایش دستمزدهای واقعی کارگری شدند.

خروج کارگران کشت و صنعت

۱۱ تن از کارگران شرکت مجتمع کشت و صنعت شریفان واقع در شهری ری، روز شنبه ۱۵ اسفند، توسط مدیریت این واحد اخراج شدند. قابل ذکر است که این کارگران به همراه اعضاء خانواده خود که به ۴۵ نفر میرسد و در ساختمان های مسکونی شرکت یاد شده ساکن بودند بعد از دریافت همزمان حکم اخراج و تخلیه منزل، همگی آواره بیانهای شورآباد شهرستان ری شدند. یکی از کارگران اخراجی بعد از ۲۲ سال کارگری و داشتن دو سال سابقه کار در این واحد، می‌گوید "هر زمان که کارگران حق قانونی خود را مطالبه می‌کنند، مدیران شرکت می‌گویند شما را به عنوان اخلال گر به پاسگاه کهربیزک تحويل میدهیم" مدیران با این تهدیدات و پراکندن شایعه و رشکستگی شرکت، دست به اخراج کارگران زده اند و کارگران خواهان بازگشت به کار و امنیت شغلی خود هستند.

اعتراض و تحصن کارگران مبلیران

شنبه بیست و یکم اسفند، ۲۵۰ تن از کارگران شرکت سهامی مبلیران، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود، در یک اقدام اعتراضی، جاده مخصوص کرج را بستند. کارگران معتبر با مسدود ساختن جاده و تحصن، صدای اعتراض خویش را بگوش تردد کنندگان رسانده و خواستار رسیدگی مسئولین به خواستهای خود شدند. یکی از کارگران متحصن با اشاره به سهامداران اصلی شرکت می‌گوید "این آقایان مدت دو سال است پولشان را وارد بازار خرید و فروش کرده اند و کارخانه مبلیران را بکلی ورشکست نموده و ۴۰۰ کارگر کارخانه به راستی گویند مانده اند" یکی دیگر از کارگران متحصن می‌گوید "ما آنقدر اینجا می‌مانیم تا سرانجام مسئولان صدای مارا بشنوند و به اینجا بیایند. سراسر راههای قانونی را پیموده ایم، به همگی مقامات از جمله بیت رهبری، نهاد ریاست جمهوری و مجلس، نامه نوشته ایم، اما این کارهیچ اثری نداشته است". شایان ذکر است که تا کنون ۱۵۰ کارگر این کارخانه را اخراج و یا بازخرید نموده که حق و حقوق آنها را نپرداخته اند و به سایر کار-

پیام‌های رسیده به سازمان به مناسبت سالروز سیاهکل

پیام کانون زندانیان سیاسی ایران
(در تبعید) _ واحد آلمان
به سازمان فدائیان (اقلیت) _ آلمان

به مناسبت ۲۹ مین سالگرد قیام سیاهکل

رقای گرامی،
۱۹ بهمن ۱۳۷۸، ۲۹ مین سالگرد قیام سیاهکل و بنیانگذاری سازمان فدائیان (اقلیت) را صمیمانه به شما تبریک می‌گوییم.
۲۹ سال پیش درحالی‌که رژیم سلطنتی شاه در خواب عمیق جزیره ثبات و آرامش بسیار می‌برد، رزمدگان فدائی، دوران جدیدی از مبارزات ترقی خواهانه علیه استبداد حاکم را درجنگل‌های سیاهکل شعله‌ورکردن.

سیاهکل سکوتی را که تحت تاثیر سرکوب سال‌های دهه سی و چهل به توده مردم ایران تحمل شده بود، شکست و فصل جدیدی را در مبارزات

سیاسی و اجتماعی بر علیه ظلم و ستم حاکم گشود. توده مردم ایران در پیچ واره‌های استبداد تاریخی که قرنها برزندگی آنان سایه گسترانده، در پی تغییر آن برگستره شیوه نوین مبارزاتی، قیام ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ را آفریدند. با این امید که خود حاکمیت مستقیم بر سرنوشت شان را به دست گیرند، اما انقلاب توده‌های مردم در نیمه راه توسط حکومت اسلامی متوقف گردید. تجربه مبارزات دهه های گذشته، با تمام فراز و نشیب هایش این واقعیت را نشان می‌دهد که نظام حاکم و حکومت اسلامی را نیز باید از طریق یک انقلاب اجتماعی برآفکند. زمینه های مادی یک انقلاب در ایران در حال شدن است. توده مردم از وضعیت موجود خسته شده و خواهان دگرگونی های عمیق و پایه ای در ایران است. این توده علیرغم آنکه به ناچار در برخی از عرصه ها مجبور شده از اهرم های قافونی برای مبارزه با نظام حاکم استفاده کند، اما به تجربه به ویژه طی چندسال گذشته نشان داده است که به تغییرات از بالا باور نداشته و خود می‌خواهد مستقیماً برای ایجاد یک جامعه نوین از طریق برقراری دمکراسی توده‌های و آزادیهای سیاسی اقدام نماید. این توده در مسیر مبارزات خود به مشارکت و همکاری وسیع سیاسی و مبارزاتی نیاز دارد. یگانه راه پیوند با آنان در مرحله نخست ایجاد زمینه همکاری و اتحاد عمل میان نیروهای مترقی و انقلابی است.

کانون زندانیان
سیاسی ایران (در تبعید) _ واحد آلمان
۱۳۷۸ بهمن

پیام سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

به مناسبت بنیانگذاری سازمان فدائیان (اقلیت)

رفقای عزیز!
ما سالروز حماسه خونین سیاهکل در ۱۹ بهمن ۴۹ را به شما تبریک و شاد باش می‌گوئیم و خاطره نام نیک همه شهدای فدائی را که در راه تحقق آزادی، رهائی جامعه از سلطه دیکتاتوری و برای بنیاد ایرانی بدور از قید ستم طبقاتی، جان باخته اند، گرامی میداریم.

در شرایطی سالروز حماسه سرخ سیاهکل و قیام مسلحانه توده ای را پاس می‌داریم که کشورمان دوران پر تلاطم تغییر و تحولات سخت زیش انقلابی دیگر را پی می‌ریزد. شرایطی که با گسترش حرکات مبارزات توده ای کارگران، زحمتکشان شهری، زنان، جوانان، دانشجویان، روشنگران آزادیخواه از یک طرف و مبارزه و مقاومت دیرینه سال اقلیت های ملی و مذهبی که سالها زیرخاست درین فشارها بوده‌اند از طرف دیگر شخص می‌شود. در چنین وضعیتی فقدان یک آلت‌راتنیونیرومند چپ، ضرر جبران ناپذیری را متوجه مبارزه مردم ایران علیه سلطه استبداد و سرمایه داری حاکم می‌گردد. از این‌رو تلاش برای پی ریزی یک بدیل سوسیالیستی بر بستر اشتراکات در شرایط فعلی از اساسی ترین محورهای وظائف نیروهای چپ رادیکال و سوسیالیست برای تقویت صفویه بلوک طبقاتی کارگران و زحمت کشان و تحکیم امر مبارزه سرنوشت ساز کنونی است.

رفقای عزیز!

شرایطی چون امروز واژین دست که برستر مقاومت مردم بویژه طی سالهای اخیر فراهم آمد، بیش از هر زمانی مسئولیت ما را یادآوری میکند تا به پراکنده‌ها غلبه کنیم و سیاستهای

جاودان باد خاطره ماندگار شهدای سیاهکل و همه شهدای راه آزادی و سوسیالیسم
سرنگون باد جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم
هیئت اجرائی سازمان کارگران انقلابی ایران
(راه کارگر) بهمن ماه ۱۳۷۸

بدون اندیشه روشن و جهت یافته تئوریک قادر به دگرگونی در ساختار اجتماعی نیست! و از سوی دیگر "اندیشه" همیشه عاشق نیست!! در شرایط دشوار کنونی، که از یکسو جنبش اجتماعی در مقیاس بیشتری از عمق به سطح کشیده شده و چهره مشخص می‌باشد! و از سوی دیگر "وحشت از انقلاب" تعداد وسیع تری را به کام سقوط و سازش می‌کشاند، برای شما و همه سوسیالیستهای رادیکال ایران آرزوی موفقیت می‌نمایم.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی
شورای هماهنگی ایرانیان هامبورگ

پیام شورای هماهنگی ایرانیان هامبورگ
به "سازمان فدائیان (اقلیت)"

رفقا!

یادواره سیاهکل و بنیانگذاری "سازمان چریک های فدائی خلق ایران" را که بی‌شک تلفیقی از عشق و مبارزه بوده است، به شما تبریک می‌گوئیم!

تردیدی نیست که رفقای شما و ما، در ۱۹ بهمن ماه سال ۴۹ مبارزه ای عاشقانه و رادیکال را،

علیه امپریالیسم و سرمایه داری در شرایطی

دشوار آغاز نمودند.

تجربه تاریخی اما، نشان داد که از یکسو عشق،

تحولات درونی حزب کارگر بروزیل (PT)

نمودند و خواهان تداوم روند سیاسی فعلی شدند. اقلیت که حمایت ۲۰ درصد از کنگره را داشت، شعار سرنگونی Cardos را تاکتیک محوری خود خواند. دو دیدگاه موجود، در برخورد به تزها و قطعنامه های پیشنهادی نیز خود را متجلی نمودند. اکثریت از جمله لغو بدھی های بروزیل به بانک جهانی و صندوق بین المللی پول را که ساله است در برنامه حزب گنجانده شده است، رد نمود. همچنین قابل عزل بودن نمایندگان پارلمان و شهرداری ها که از سوی حزب کارگر پذیرفته شده بود، از سوی اکثریت رد شد. اکثریت در برنامه ریزی فعالیتهای آتی، اولویت را به "احراز هرچه بیشتر کرسی های انتخاباتی" قرارداد. از همینرو در برخورد به قطعنامه های پیشنهادی اقلیت که امر سازمان دهی مستقل کارگران، زحمتکشان و دهقانان فاقد زمین را به موازات شرکت در پارلمان مورد تاکید قرار میداد، به آن رای مخالف داد و آنرا اتفاف انژی خواند. اقلیت مبنای فعالیت آتی خود را سازماندهی مستقل کارگران و زحمتکشان و تلاش جهت تحقق مطالبات آنان قرارداده است. اقلیت بالشاره به موارد متعدد در مناطق مختلف ورود را وایستادن نمایندگان حزب کارگر با توده های به تنگ آمده، هشدار داد که نمایندگان حزب در شهرداریها که قرار بود عامل فشار به بورژوازی باشند، خود به عامل فشار بورژوازی بدل شده اند. آنها در تظاهرات ها و اعتراضات توده ای در مقابل ارگان های دولتی، از انتصابیون می خواهند که "پرچم سرخ را زمین بگذارند تا مبادا بورژوازی رم کند".! اقلیت اعلام نمود که نمایندگان وابسته به این گرایش نظری هرگجا لازم باشد بین بشنید، حتی جانب مبارزات توده های مردم را خواهد گرفت.

کنگره با انتخاب رهبری که در بر گیرنده گرایشات مختلف نظری است پایان یافت. ۷ گرایش عمدۀ نظری در ارگان های رهبری نمایندگی دارند:

مقدمه:
حزب کارگر بروزیل که در برگیرنده گرایشات متعدد نظری است، در چند سال گذشته در برخی از ایالات و مناطق بروزیل به ارگانها و نهادهای دولتی راه یافته است. این امر تاثیرات مستقیمی بر خط مشی این حزب داشته و گاهای به دست کشیدن از مواضع رسمی حزب منجر شده است. مخالفت با این روند، به میاخت فراوانی در درون حزب دامن نظری زده است. دو مین کنگره حزب کارگر بروزیل محل جمال نظری بین گرایشات نظری مختلف بود. مطلب زیر، ترجمه و تلخیص برخی مطالب و گزارشاتی است که درباره دو مین کنگره حزب کارگر بروزیل منتشر شده است.

دو مین کنگره حزب کارگر بروزیل که در اوخر نوامبر سال گذشته با شرکت ۹۲۷ نماینده در شهر Belo Horizonte برگزار شد، عمدتاً به بحث حول خط مشی سیاسی حزب اختصاص داشت. سه بحث با توافق بخش های مختلف حزب در دستور کار کنگره گنجانده شده بود :
 ۱_ تدوین مبانی برنامه ای ، ۲ - ارزیابی از اوضاع کنونی بروزیل و تصمیم گیری حول ائتلافات سیاسی در انتخابات شهرداری ها در اکتبر ۲۰۰۰ و ۳ - بحث حول درک از حزب طبقاتی . اما شدت اختلافات و ضربوت بحث حول برخورد به حاکمیت ، عمل ادو موضوع میانی برنامه ای و درک از حزب را تحت الشعاع قرارداد . لذا کنگره دوم عمدتاً به بحث حول چگونگی برخورد به حاکمیت اختصاص داشت.
 در برخورد به دولت Cardos دو دیدگاه موجود بود. یک نظر شعار حمایت از وی، تداوم روند فعالیت در ارگان های منطقه ای و ملی و تحقق مطالبات دمکراتیک را سرلوוה فعالیت حزب قرار می داد. نظر دوم شعار برگزاری Cardos و تلاش جهت سرنگونی آن را مطرح میکرد و راستی فعالیت حزب را سوسیالیستی ارزیابی می کرد. در ۵ روزه، سرانجام کنگره رایه ای اقتضیت واکثریت تقسیم کرد. ۸۰٪ از نمایندگان حمایت از حاکمیت فعلی بروزیل را تصویب

خبرداری از ایران

صالحی، در برابر ساختمان قوه قضائیه واقع در خیابان جامی، دست به تجمع و اعتراض زدند.

تجمع اعتراضی معلمان در خرم‌آباد

در اعتراض به عدم پرداخت حقوق ، صدها تن از معلمان خرم‌آباد با تجمع در برابر ساختمان آموزش و پرورش، خواستار پرداخت حقوقهای معوقه خود شدند. علاوه بر آن حدود ۱۵۰ نفر از فرهنگیان شاغل در مناطق محروم استان لرستان نیز در اعتراض به عقب افتادن حقوقها، در مقابل ساختمان استانداری تجمع کرده و خواستار پرداخت حقوقهای خود شدند.

تجمع اعتراضی در اصفهان

بیش از صد تن از شهروندان اصفهانی ، در اعتراض به عملکرد شرکت مخابرات این استان و گران کردن نرخ فروش خط تلفن، در برابر ساختمان استانداری دست به یک تجمع اعتراضی زدند. پس از آن که استاندار در جمع اعتراض کنندگان حاضر شد و قول پیگیری داد، اعتراض کنندگان به تجمع خود پایان دادند.

چند خبر کوتاه

- محجوب دبیر کل خانه کارگر گفت سالانه بالغ بر ۱۲ هزار نفر در کارگاه های کشور دچار حادثه می شوند که بخش عده آن در کارگاه های کوچک اتفاق می افتد.

- بالغ بر ۳۰۰ هزار کودک و در شرایط نامناسب در این کارگاهها به کار گرفته شده اند. با این همه آقای محجوب، سرحدی زاده و چندتن دیگر از مدعيان دفاع از حقوق کارگاه پلا فاصله پس تصویب قانون معافیت کارگاه های کوچک از شمول قانون کار، با صدور بیانیه ای کارگران را به آرامش دعوت کردند و مدعی شدند که "تحقیق حقوق کارگران در سایه قانون ممکن خواهد بود" (کار و کارگر ۹۷۸ اسفند)

تصحیح و پوزش :

در شماره ۳۳۵ نشریه کار صفحه ۸، ستون یک، سطر ۲۲، سال ۱۳۷۵ صحیح است که اشتباه "سال ۱۳۵۷ تایپ شده بود.

توضیحات:

*_ دمکراسی رادیکال: این گراش در تزهای برنامه ای خود، از دمکراسی پارلمانی دفاع می کند، سابقاً مائوئیست بوده اند.

**_ سوسیالیسم یا بربریت: از گروهها و سازمانهای چپ تشکیل شده است.

نام گرایش	درصد آراء	برصد آرای	تعداد کرسی در رهبری	تعداد کرسی در رهبری اجرائی
۱_ جنبش PT	۱۳	۱۰	۲	
۲_ انقلاب دمکراتیک	۴۴	۲۵	۸	۸
۳_ دمکراسی رادیکال (*)	۸	۷	۱	۱
۴_ مبارزه توده ای PT	۳	۲	۱	۱
۵_ یا سوسیالیسم یا بربریت (**)	۲۱	۱۷	۴	۴
۶_ گرایش Nesso Tempo	۱۰	۸	۳	۳
۷_ بازگشت به ریشه PT	۲	۲	۲	۲

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،
نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه
برای دوستان و آشنایان خود در خارج از
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان
را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

K.A.R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

آلمان

I.S.V.W
Postfach 122
Postamt 1061, Wien
Austria

اوپیش

I.S.F
P.B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark

دانمارک

M.A.M
Postbox 6416
75139 Uppsala
Sweden

سوئد

Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

سوئیس

A.A.A
MBE 265
23, Rue L'ecourbe
75015 Paris
France

فرانسه

P.B. 22925
1100 DK Amsterdam
The Netherlands

هلند

گرامیداشت ۸ مارس در تهران

گروهی از زنان ایران، با برگزاری مراسمی در روز هشتم مارس در ساختمان مرکزی شهر کتاب واقع در خیابان حافظ شمالی تهران، روز جهانی زن را گرامی داشتند. برغم آنکه برای برگزاری این مراسم تبلیغاتی صورت نگرفته بود، اما بیش از هزار نفر در آن شرکت نمودند. در حالیکه صدها استقبال کننده دیگر که به محل برگزاری مراسم مراجعته کرده بودند به علت تکمیل ظرفیت سالن و نبودن جای خالی، نتوانستند در آن حضور یابند. در این مراسم، علاوه بر زنان ایرانی که در مورد چرائی بر گزاری روز ۸ مارس، مطالبات زنان ایران، میراث مشترک زنان، زن و ادبیات معاصر ایران، حرکت زنان در ایران، الگوهای تربیتی زنان و . . . به سخنرانی پرداختند، فوزیه حریری از افغانستان و رعناء هایدر از بنگلادش نیز در مورد وضعیت زنان در این دو کشور سخنرانی کردند. درنگاه اول، این رخداد شاید چندان هم در خور توجه بنظر نماید و اصولاً تحت یک شرایط دیگری میتوانست یک اقدام معمولی تلقی شود. اما بزرگداشت ۸ مارس روز جهانی زن زیر گوش یک حکومت فوق ارتقای عوایق آنرا نیز بجان بخشد. هنوز بساط قصاص و سنگسارش همه جا پهن و جاری است و آپارتايد جنسی را به داخل اتوبوس ها و پارکها و بیمارستانها و امثال آن نیز تعمیم داده است و در یک کلام در پایمال کردن حقوق زنان روی همه رژیمهای ارتقای را سفید کرده است، اتفاقاً مسئله بسیار با اهمیتی است که نه فقط بیانگر رشد چشمگیر جنبش سیاسی زنان، بلکه در مقیاس وسیع تر، بازتاب دهنده رشد جنبش سیاسی و آزادی خواهانه هم‌اقدار استثمار شده و ستم کشیده مردم ایران است. نابرابریهای حقوقی، تبعیضات طولانی مدت و ستم دیرینه و تاریخی علیه زنان را کسی منکر نیست، اما تحرك و اعتراض شفاف و اقدام جسارت‌آمیز امروز زنان را فقط با این نمیتوان توضیح داد. راست این است که رژیمهای مذهبی از جمله رژیم فوق ارتقای حاکم برایران، به

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واگذار و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال نمایید

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۴۹ - ۶۹ - ۵۹۷۹۱۳۵۷

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

<http://www.fedaian-minority.org>



Organization Of Fedaian (Minority)

No. 336 apr 2000

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد حکومت شورائی